

تحلیل سازه‌انگاره تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۰۲۵م

زهرا احمدی^۱، محمدرضا دهشیری^{۲*}

۱. گروه روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

چکیده	مشخصات مقاله
در این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب سازه‌انگاری، ریشه‌ها و پیامدهای جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۵م تحلیل شده است. مطالعه با تلفیق مفاهیم نوین قدرت روایی، امنیت هستی‌شناختی و منازعه‌هنجاری، تحلیلی چندلایه است از نقش ساختارهای معنایی و هویتی در شکل‌دهی سیاست خارجی دو طرف. برخلاف مطالعات پیشین که بیشتر بر ابعاد نظامی یا راهبردی تمرکز شده است، در این پژوهش با تأکید بر پویایی‌های گفتمانی، تلاش شده است خلأهای موجود پر شود. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی است و از منابع اولیه (بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و گزارش‌های رسانه‌ای) و ثانویه (پژوهش‌های علمی) بهره گرفته شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که از منظر قدرت روایی، ایران با تأکید بر گفتمان مقاومت و دفاع از مظلومان، خود را مدافع ارزش‌های اسلامی و ضداستعماری معرفی کرد، درحالی‌که رژیم صهیونیستی با برجسته‌سازی تهدید وجودی ایران، اقدام‌های خود را در چارچوب دفاع مشروع توجیه می‌کند. در سطح هویتی، ایران با تکیه بر هویت مقاومت‌محور، به بازتولید گفتمان انقلابی پرداخت و رژیم صهیونیستی، به‌رغم مخالفت‌های برخی احزاب داخلی و ۱۲۰ کشور، با بازنمایی «هویت قربانی» توانست به بسیج داخلی و جلب حمایت بین‌المللی دست زند. در عرصه‌هنجاری نیز منازعه بر سر تفسیر مفاهیمی مانند حقوق بشر، تروریسم و حق حاکمیت هسته‌ای، به تقابلی جدی در نهادهای بین‌المللی انجامید. نتایج حاکی از آن است که این جنگ صرفاً منازعه‌ای نظامی نبود، بلکه نبردی گسترده بر سر معنا، هویت و مشروعیت بود که تأثیرهایی پایدار بر نظم منطقه‌ای گذاشته است.	مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: ایران و رژیم صهیونیستی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ واژگان کلیدی: امنیت هستی‌شناختی، جنگ ایران و رژیم صهیونیستی، قدرت روایی، گفتمان مقاومت، منازعه‌هنجاری.

ارجاع به این مقاله: احمدی ز، دهشیری مر. (۱۴۰۵). «تحلیل سازه‌انگاره تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۰۲۵م». مطالعات کشورها. ۴(۳): ۵۶۳-۵۹۷. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.399915.1330>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۹۳ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: mohammadreza_dehshiri@yahoo.com <https://orcid.org/0000-0001-8223-3358>

۱. مقدمه

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی به ایران در ژوئن ۲۰۲۵م (۲۲ خرداد تا ۴ تیر ۱۴۰۴ش)، یکی از نقاط عطف در تاریخ منازعه‌های غرب آسیاست که نه تنها به دلیل شدت و گستردگی درگیری‌های نظامی، بلکه به سبب ابعاد پیچیده هویتی، گفتمانی و هنجاری آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. این منازعه که با حملات هوایی رژیم صهیونیستی به مقام‌های ارشد، تأسیسات هسته‌ای ایران - از جمله سایت‌های نطنز و فردو - و پاسخ متقابل ایران با شلیک صدها موشک بالستیک و پهپاد آغاز شد، فراتر از تقابل نظامی صرف بود و به صحنه‌ای برای رقابت روایت‌ها، بازنمایی‌های متقابل و بازتولید هویت‌های ملی تبدیل شد (Pinfold et al., 2025; Eslami & Kaunert, 2025). از این رو، تحلیل سازه‌انگاریانه تقابل ایران و رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۰۲۵م، با تمرکز بر نقش هویت، قدرت روایی و امنیت هستی‌شناختی، چارچوبی نظری برای فهم منازعه‌ای فراتر از ابعاد مادی و نظامی است. با این رویکرد، می‌توان با عبور از تحلیل‌های سنتی مبتنی بر موازنه قوا، امنیت را به مثابه پدیده‌ای برساخته از تعامل‌های گفتمانی، هنجاری و هویتی تفسیر کرد (Conteh-Morgan, 2005: 72). در این راستا، این تقابل، نه صرفاً نبرد تسلیحاتی، بلکه میدانی برای تقلیل روایت‌ها، بازتولید هویت‌های جمعی و تلاش هر دو طرف برای حفظ امنیت وجودی خود بود؛ امنیتی که در تداوم معنایی «خود» و تقابل با «دیگری» ریشه دارد (Mitzen & Larson, 2017). اهمیت این تحلیل در آن است که می‌توان نشان داد چگونه گفتمان‌های سیاسی، رسانه‌ای و ایدئولوژیکی، واقعیت‌های امنیتی را شکل می‌دهد (Guzzini, 2004: 10).

از این رو، مسئله محوری و سؤال اصلی این پژوهش آن است چگونه هویت‌سازی متقابل، روایت‌پردازی‌های رسانه‌ای و دغدغه‌های هستی‌شناختی، به تقابلی پایدار بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۰۲۵م دامن زده‌اند؟ این پرسش از آن جهت حیاتی است که نشان می‌دهد منازعه‌ای با قدمت چند دهه را تنها از طریق رویکردهای مادی گرایانه نمی‌توان تحلیل کرد، بلکه نیازمند فهمی عمیق از فرایندهای معناسازی اجتماعی است (Krause, 1998: 302). برای نمونه، بازنمایی ایران به عنوان «تهدید وجودی» در گفتمان رژیم صهیونیستی (Friedman & Ghorbankarimi, 2022: 195) و تصویر رژیم صهیونیستی به مثابه «نهاد نامشروع» در روایت ایرانی (Rajiv, 2016: 47)، برساخته‌هایی گفتمانی است که سیاست‌های تقابلی را موجه می‌سازد.

بنابراین، فرضیه اصلی این پژوهش بر این پایه استوار است که این تقابل، فراتر از منازعه‌ای نظامی، نبردی گسترده بر سر معنا، هویت و مشروعیت است که از طریق سازه‌های گفتمانی، هویتی و هنجاری شکل گرفته و بر نظم منطقه‌ای تأثیرهای پایداری گذاشته است.

در ادامه این مقاله، با بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌های فرعی، با تکیه بر مفاهیم قدرت روایی، امنیت هستی‌شناختی و منازعه هنجاری در چارچوب سازه‌انگاری انتقادی و با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل فرایندهای معناساز در این تقابل پرداخته‌ایم.

پرسش‌های فرعی این پژوهش به شرح زیر است:

- چگونه قدرت رویی در گفتمان ایران و رژیم صهیونیستی برای مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های نظامی و هویت‌سازی استفاده شده است؟
- نقش امنیت هستی‌شناختی در شکل‌دهی به سیاست خارجی دو طرف در این تقابل چیست؟
- چگونه منازعه هنجاری بر سر مفاهیمی مانند حقوق بشر، تروریسم و حق حاکمیت هسته‌ای در نهادهای بین‌المللی بروز یافته است؟

فرضیه‌های فرعی عبارت است از:

- ایران با تأکید بر گفتمان مقاومت و دفاع از مظلومان، هویت انقلابی و ضداستعماری خود را تقویت کرد، درحالی‌که رژیم صهیونیستی با برجسته‌سازی تهدید وجودی ایران، اقدام‌های خود را در چارچوب دفاع مشروع توجیه کرد.
- بحران هویتی و نیاز به امنیت هستی‌شناختی موجب شد ایران به بازتولید هویت مقاومت‌محور و رژیم صهیونیستی به بازنمایی «هویت قربانی» روی آورد.
- تقابل هنجاری دو طرف در نهادهای بین‌المللی نشان‌دهنده تلاش ایران برای به چالش کشیدن هنجارهای غرب‌محور و تلاش رژیم صهیونیستی برای توجیه اقدام‌های خود بر اساس هنجارهای امنیتی و منع اشاعه بوده است.

۲. پیشینه

در مطالعات متعددی تلاش شده است تا با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری، رفتار

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی تبیین شود. پس از انقلاب اسلامی، گفتمان هویتی مبتنی بر نفی رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین یکی از ارکان ثبات‌یافته در سیاست خارجی ایران ظهور کرد و این رویکرد طی چهار دهه گذشته به صورت‌های مختلف بازتولید شده است. یکی از نخستین پژوهش‌های متمایز در این حوزه، مقاله آقای و رسولی (۱۳۸۸) است که نقش هویت، معنا و ساختارهای ذهنی را در شکل‌گیری سیاست ایران در قبال رژیم صهیونیستی بررسی کرده‌اند. هم‌راستا با این رویکرد، واعظ و همکاران (۱۴۰۲) به تحلیل تهدیدهای هویتی علیه محور مقاومت پرداختند و نشان دادند تغییرات در معادلات منطقه‌ای ممکن است به مثابه تهدیدهای هستی‌شناختی بر سیاست خارجی ایران اثرگذار باشد. شهبازی (۱۳۹۳) نیز سیر تاریخی روابط میان دو کشور را از دوران پهلوی تا دوره کنونی بررسی و تأکید کرده است که گفتمان دینی و هویتی جمهوری اسلامی، بنیان تقابل ساختاری ایران با رژیم صهیونیستی بوده است. مؤمنی و رحیمی (۱۳۹۶) نشان دادند که این تقابل هویتی، فراتر از حوزه دوجانبه ایران-رژیم صهیونیستی عمل کرده و بر معادله‌های منطقه‌ای، نظیر قفقاز جنوبی، نیز تأثیرگذار بوده است. در سطحی متفاوت، روستایی و همکاران (۱۴۰۴)، به جای تحلیل مستقیم هویتی، تلاش کردند در قالب تحلیلی راهبردی، پیامدهای رفتارهای بازدارنده گروه‌های مقاومت را بر موازنه قدرت در منطقه تبیین کنند. هرچند تمرکز آنان هویتی نیست، در فضای گفتمانی مقاومت تفسیرپذیر است.

باوجود تلاش‌های در خور توجه در حوزه به‌کارگیری سازه‌انگاری در تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در بیشتر پژوهش‌های پیشین یا به صورت کلان تبیین نظری رویکرد سازه‌انگاری انجام شده و مطالعه موردی دقیقی صورت نگرفته، یا تقابل ایران و رژیم صهیونیستی بیشتر از منظر رئالیستی و با تمرکز بر ابعاد امنیتی و راهبردی تحلیل شده است. در این پژوهش، برخلاف رویکردهای سنتی، بر پویایی‌های معنایی، گفتمانی و هویتی تمرکز شده و به جای تقلیل منازعه به درگیری صرفاً امنیتی، بر فرایندهای هویت‌سازی، روایت‌پردازی و امنیت هستی‌شناختی تأکید شده است؛ ابعادی که در مطالعات پیشین اغلب نادیده گرفته شده است. نوآوری این مقاله در تلفیق سه مفهوم کلیدی سازه‌انگاری — قدرت روایی، امنیت هستی‌شناختی و منازعه هنجاری — برای تحلیل هم‌زمان ساختارهای معنایی، هنجاری و هویتی سیاست خارجی ایران و رژیم صهیونیستی

در جنگ ۲۰۲۵م نهفته است. با این رویکرد، امکان بررسی لایه‌های پیچیده‌تر این منازعه، فراتر از چارچوب‌های مادی و نهادی، فراهم می‌آید.

در جدول ۱، به‌طور خلاصه، تفاوت‌های رویکرد سازه‌انگاران با نظریه‌های رئالیسم و لیبرالیسم نشان داده شده است و روشن می‌سازد چرا سازه‌انگاری، با تأکید بر پویایی‌های هویتی و گفتمانی، چارچوبی مناسب برای تحلیل عمیق جنگ ۲۰۲۵م—نبردی بر سر معنا، هویت و مشروعیت—فراهم می‌آورد.

جدول ۱. مقایسه نظریه‌های رئالیسم، لیبرالیسم و سازه‌انگاری در تحلیل منازعه ایران و رژیم صهیونیستی (۲۰۲۵م)

نظریه	محور اصلی تحلیل	برداشت از امنیت	نگاه به منازعه ایران-رژیم صهیونیستی
رئالیسم	قدرت مادی و موازنه قوا	امنیت نظامی و بقا	جنگ ۲۰۲۵م تلاشی برای حفظ برتری نظامی
لیبرالیسم	همکاری، نهادها و منافع متقابل	امنیت از طریق قواعد و نهادها	ناکامی نهادهای بین‌المللی در مهار منازعه
سازه‌انگاری	هویت‌ها، هنجارها و روایت‌ها	امنیت هستی‌شناختی و مشروعیت هویتی	جنگ ۲۰۲۵م نبردی بر سر معنا، هویت و مشروعیت

منبع: نویسندگان پژوهش حاضر

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش تحلیل گفتمان انتقادی^۱ بهره گرفته شد که با «سازه‌انگاری انتقادی» هم‌راستاست. در تحلیل گفتمان انتقادی، زبان صرفاً ابزار ارتباطی نیست، بلکه شیوه‌ای اجتماعی است که قدرت و ایدئولوژی را بازتولید می‌کند و با آشکار ساختن پویایی‌های قدرت و فرایندهای «دیگری‌سازی»، نشان می‌دهد چگونه هنجارها و هویت‌ها در روابط بین‌الملل ساخته و بازتعریف می‌شود (Blommaert & Bulcaen, 2000: 447; Holzschneider, 2013: 142; Ranabhat, 2017; Valderama-Wallace, 2022: 30). در سازه‌انگاری انتقادی، این تحلیل زبانی در بسترهای تاریخی و اجتماعی جای می‌گیرد و بر نقش نابرابری، مناقشه و زمینه در شکل‌دهی معانی تأکید می‌شود (Le, 2002; Shi, 2023: 490). در این پیوند متقابل، با برجسته‌سازی نقش زبان در مشروعیت‌بخشی یا به‌چالش کشیدن هنجارهای بین‌المللی و روابط قدرت، امکان بررسی عمیق‌تری از بازتولید یا تحول

1. Critical Discourse Analysis (CDA)

این هنجارها فراهم می‌آید (Boulos & Hassan, 2023; Michelis et al., 2024: 1514; Kholifah, 2024).

در همین ارتباط، فرایند تحلیل در سه گام انجام شد:

- گردآوری داده‌ها از بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و پوشش رسانه‌ای ایران و رژیم صهیونیستی در بازه جنگ ۱۲ روزه (۲۲ خرداد تا ۴ تیر ۱۴۰۴ ش)؛
- کدگذاری اولیه با شناسایی واژگان کلیدی، استعاره‌ها و چارچوب‌های معنایی مرتبط با مفاهیم، مانند «مظلوم‌گرایی»، «تهدید وجودی» و «مشروعیت‌سازی»؛
- تحلیل تفسیری با تطبیق کدها با سه مفهوم نظری سازه‌انگاری انتقادی؛
 - قدرت روایی به‌منزله ابزاری برای مشروعیت‌بخشی و شیطانی‌سازی دیگری (Miskimmon et al., 2024: 445)؛
 - امنیت هستی‌شناختی برای تبیین نیاز به انسجام هویتی در شرایط بحران (Steele, 2008)؛
 - منازعه هنجاری در تحلیل تقابل بر سر حقوق بشر، تروریسم و حق حاکمیت هسته‌ای (Deitelhoff, 2020).

به‌طور مثال، در گفتمان مقام‌های رژیم صهیونیستی، تکرار عبارت‌هایی چون «تهدید وجودی» و «حق دفاع پیش‌دستانه» نه‌تنها توجیه کنش‌های نظامی، بلکه شاخص بازتعریف هنجارهای بین‌المللی — مانند منع توسل به زور و حق استفاده از زور در شرایط پیش‌دستانه — کدگذاری شد. همچنین، کاربرد مکرر تعبیری چون «تروریسم تحت حمایت دولتی» و «تهدید علیه امنیت جهانی» در بیانیه‌های رسمی رژیم صهیونیستی، تلاشی برای مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های خود و تضعیف مشروعیت هنجارهای مقاومت بوده است.

در مقابل، در گفتمان مقام‌های ایرانی، استفاده مکرر از تعبیری چون «دفاع از مظلومان»، «مقابله با اشغالگری»، «حق ملت‌ها برای مقاومت» و «افشای استانداردهای دوگانه غرب» بازتولید و تقویت هنجارهایی چون حق مقاومت، حق تعیین سرنوشت و مشروعیت مقابله با تجاوز کدگذاری شد.

در این رویکرد، با تمرکز بر مفاهیم نوین سازه‌انگاری، امکان تحلیل چندلایه‌ای از چگونگی برساخت تهدیدها، بازتولید هویت‌ها و مشروعیت‌بخشی به

سیاست‌ها فراهم می‌شود. در واقع، در این مطالعه، با تمرکز بر مفاهیم نوین سازه‌انگاری، تلاش شده است تا خلأهای موجود در پژوهش‌های پیشین پر شود. این پژوهش‌ها اغلب به تحلیل‌های امنیتی یا راهبردی محدود بوده است. با تلفیق مفاهیم قدرت روایی، امنیت هستی‌شناختی و منازعه‌هنجاری، درک عمیق‌تری از چگونگی برساخت تهدیدها و بازتولید هویت‌ها در روابط بین‌الملل فراهم می‌آید. این رویکرد نه تنها به فهم بهتر تقابل ایران و رژیم صهیونیستی کمک می‌کند، بلکه ابزارهای تحلیلی جدیدی برای مطالعه منازعه‌های معاصر در جهانی چندقطبی و متصل فراهم می‌آید.

شایان ذکر است که در این مطالعه با محدودیت‌هایی نظیر دسترسی محدود به برخی داده‌های اولیه، به دلیل سانسور یا محرمانه بودن اطلاعات، همچنین چالش‌های ناشی از نبودن موضوع و نبود متون پژوهشی منسجم مواجه بودیم. علاوه بر این، احتمال وجود سوگیری در منابع رسانه‌ای می‌توانست بر تحلیل گفتمان اثرگذار باشد که برای کاهش این تأثیر، کوشش شده است از منابع رسانه‌ای هر دو طرف، همچنین منابع بی‌طرف استفاده شود.

۴. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱.۴. رهیافت قدرت روایی

رهیافت قدرت روایی یکی از توسعه‌های مهم نظریه سازه‌انگاری است که بر نقش بنیادین روایت‌ها در شکل‌دهی به هویت، ادراک و سیاست خارجی تأکید می‌شود. روایت‌ها—شامل داستان‌های دولت‌ها درباره گذشته، موقعیت و آینده خود—از طریق معناپردازی و بازنمایی، چارچوب‌های مفهومی برای فهم جهان و تعیین منافع ملی فراهم می‌کند. این رهیافت، به ویژه در تحلیل سیاست خارجی آمریکا در قرن ۲۱م استفاده شده است و نشان می‌دهد که چگونه روایت‌های قدرت، هویت ملی و راهبردهای سیاست خارجی را بازتولید می‌کند (Tsyrf, 2020: 95). مفهوم «روایت‌های راهبردی» در این چارچوب جایگاهی محوری دارد و بر این فرض استوار است که دولت‌ها با روایت‌سازی فعال، در پی مدیریت اعتبار بین‌المللی و شکل‌دهی به ادراک دیگران هستند (Miskimmon et al., 2024: 445). قدرت روایی نه فقط بازتاب‌دهنده ترجیح‌های دولت‌ها، بلکه ابزاری فعال برای تقویت قدرت نرم است که از طریق آن، مشروعیت اقدام‌ها و سیاست‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی افزایش می‌یابد. روایت‌ها در رقابت با روایت‌های رقیب، هم در عرصه رسمی دیپلماسی و هم در فضای عمومی و رسانه‌ای عمل و ادراک

عمومی، هویت ملی و جایگاه بین‌المللی دولت‌ها را تثبیت یا تضعیف می‌کند (Česnakas, 2021; Dück, 2019).

افزون بر سطح دولت‌ها، روایت‌ها در شکل‌دهی به نظم جهانی، به‌ویژه در گذار از نظم تک‌قطبی به چندقطبی، نقش مهمی ایفا و جایگاه کشورها را بازتعریف می‌کنند و بر دستور کارهای بین‌المللی اثر می‌گذارند (Forough et al., 2023, 295). همچنین، بازیگران غیردولتی و فراملی نیز روایت‌های خاص خود را وارد عرصه بین‌الملل می‌کنند (Museyibzada & Usmonov, 2024: 135).

در مجموع، در رهیافت قدرت روایی، روابط بین‌الملل صرفاً رقابت بر سر منافع مادی نیست، بلکه به‌مثابه میدان پیچیده‌ای است از تولید و رقابت روایت‌های اجتماعی و هنجاری؛ و در جهانی چندصدایی و متصل، ابزار مفهومی مهمی برای فهم پویایی‌های سیاست جهانی محسوب می‌شود.

۲.۴. چارچوب امنیت هستی‌شناختی

در چارچوب امنیت هستی‌شناختی، برگرفته از نظریه اجتماعی گیدنز، به نیاز دولت‌ها برای حفظ تداوم هویتی در زمان پرداخته می‌شود که متفاوت از امنیت فیزیکی، اما مکمل آن است (Croft, 2012: 219; Mitzen & Larson, 2017). در این رویکرد، سیاست خارجی تلاشی تحلیلی می‌شود که برای تثبیت هویت دولت از طریق تکرار روال‌ها و تعامل‌ها معنادار می‌شود (Steele, 2008). برخلاف امنیت فیزیکی که بر تهدیدهای مادی تمرکز می‌شود، در امنیت هستی‌شناختی بر معنا، انسجام هویتی و روایت منسجم از «بودن» تأکید می‌شود (Mitzen & Larson, 2017). تهدیدهای هویتی ممکن است اضطراب هستی‌شناختی به‌وجود آورد؛ به‌همین دلیل، دولت‌ها از طریق کنش‌های بین‌المللی در پی مهار آن‌ها هستند (Brummer & Oppermann, 2024: 64). در این چارچوب، سیاست خارجی نوعی «پاسخ هویتی» است و هویت و منافع دولت‌ها در بستر تعامل‌های اجتماعی و گفتمان‌ها پیوسته بازتعریف می‌شود (Flockhart, 2016; Hassan, 2020). نمونه‌ای از این پویایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و روایت‌های دموکراسی‌خواهی آن دیده می‌شود (Kowert & Barkin, 2024). به‌علاوه، اهمیت این چارچوب در دوران بحران افزایش می‌یابد، زیرا بحران ممکن است روایت‌های تثبیت‌شده هویت را متزلزل کند (Ceydilek, 2023: 445). البته، دامنه امنیت هستی‌شناختی فراتر از دولت‌هاست و نهادها و جوامع را نیز شامل می‌شود (Kinnvall & Mitzen, 2016: 3).

به‌طور کلی، دولت‌ها برای دستیابی به امنیت هستی‌شناختی دو راهبرد دارند: تکرار روایت‌های تثبیت‌شده برای حفظ تداوم (راهبرد بودن)، و جلب تأیید دیگران برای مشروعیت‌بخشی به هویت (راهبرد کنش) (Flockhart, 2016: 799). بنابراین، رفتارهای سیاست خارجی اغلب بازتاب پویایی‌های معنایی و فرهنگی است. در مطالعاتی همچون بی‌طرفی بریتانیا در جنگ داخلی آمریکا یا امنیتی‌سازی مسلمانان پس از ۱۱ سپتامبر این امر تأیید شده است (Steele, 2005: 519; Croft, 2012). باین‌حال، به این رویکرد نقدهایی وارد است؛ برخی، مانند رومیلی (Rumelili, 2013: 52)، ادغام امنیت هستی‌شناختی را با امنیت مادی ساده‌انگارانه می‌دانند. همچنین، پارادوکس امنیت هستی‌شناختی نشان می‌دهد که تلاش برای تثبیت هویت ممکن است ناامنی‌های جدیدی ایجاد کند (Jackson & Subotić, 2024: 3).

درمجموع، در چارچوب امنیت هستی‌شناختی، کنش‌های بین‌المللی دولت‌ها تلاشی برای حفظ انسجام «خود ملی» توضیح داده می‌شود که ممکن است هم منبع ثبات و هم عامل بحران باشد.

۳.۴. رهیافت منازعه‌هنجاری

رهیافت منازعه‌هنجاری گسترشی متأخر از سازه‌انگاری است و چارچوبی برای فهم پویایی‌های بازتعریف و تطبیق هنجارها در تعامل‌های بین‌المللی فراهم می‌آورد (Deitelhoff, 2020). در این نگاه، منازعه نه صرفاً مقاومت، بلکه سازوکاری برای بازسازی و مشروع‌سازی هنجارهاست (Lantis & Wunderlich, 2018). علی‌رغم رهیافت‌های سنتی انتقال هنجار، در این دیدگاه بر فرایندهای تفسیری و چانه‌زنی در بسترهای متکثر اجتماعی تمرکز می‌شود (Iommi, 2019)؛ در شرایطی که تنش میان استانداردهای جهانی و زمینه‌های محلی، با تفاوت‌های فرهنگی و هویتی تشدید شود (Ün, 2019) و بازیگران محلی با بازتعبیر و بومی‌سازی هنجارهای بین‌المللی، الگوهای متنوعی از پذیرش یا رد آن ایجاد کنند (Hensengerth, 2015; Isaacs, 2017). منازعه‌های هنجاری به‌صورت رقابت‌های معنایی میان بازیگران بین‌المللی، ملی و محلی بروز می‌یابد و حتی هنجارهای فراگیر نیز از بازنگری مصون نیست (Hansen-Magnusson et al., 2018: 637). در این رهیافت، هنجارها محصول کنش متقابل و عاملیت بازیگران محسوب و فرایند درونی‌سازی پویا و ناپایدار تلقی می‌شود (Lantis, 2016; Iommi, 2019). از سوی دیگر، فشارهای اجتماعی و ادراک تهدید نیز بر واکنش بازیگران

اثر می‌گذارد (Falomir-Pichastor et al., 2004). نمونه بارز این امر در روابط اتحادیه اروپا و اوگاندا دیده می‌شود که فعالان محلی هنجارهای غربی را به چالش کشیده‌اند (Saltnes & Thiel, 2021; Isaacs, 2017: 1831). ذکر این نکته نیز ضروری است که انتقال هنجار تضمین درونی‌سازی آن نیست (Johansson-Nogués et al., 2019).

در رهیافت منازعه همچنین، نقش قدرت در بازتفسیر هنجارها برجسته می‌شود. در سیاست‌های ضدتروریسم آمریکا، هنجارهای حقوق بشری در دل روایت‌های متعارض به خدمت گرفته شده است (Maurer & Wright, 2021: 385; Birdsall, 2016: 176). قدرت‌های نوظهور مانند چین نیز از طریق گفتمان خاص خود نظم هنجاری جهانی را بازتعریف می‌کنند. در این رویکرد، منازعه نیروی محرکه تحول هنجارها محسوب می‌شود و فهم روابط بین‌الملل از تبعیت صرف از قواعد، به‌سوی تحلیل تعامل معنا، قدرت و زمینه سوق می‌یابد. در مجموع، در نظریه رهیافت هنجاری با برجسته‌سازی پویایی، چندصدایی و زمینه‌مندی هنجارها، نگاهی انتقادی و چندبعدی به فرایندهای هنجاری محقق می‌شود. در این رویکرد، منازعه نشانه شکست نظم نیست، بلکه نیروی محرکه تحول و بازتولید هنجارهاست. چنین رویکردی درک ما را از روابط بین‌الملل، فراتر از پیروی یا نقض قواعد، به‌سمت فهمی عمیق‌تر از تعامل میان معنا، قدرت و زمینه سوق می‌دهد.

۵. بحث

۱.۵. روایت‌ها و بازنمایی‌های متقابل در بحبوحه جنگ ۲۰۲۵م

۱.۱.۵. بازنمایی ایران در گفتمان رژیم صهیونیستی

برخلاف دیدگاه رئالیستی که به مشروعیت اقدام‌های نظامی رژیم صهیونیستی صرفاً مبتنی بر برتری مادی و موازنه قوا نگریسته می‌شود، در رهیافت سازه‌انگارانه تأکید می‌شود که حتی قدرت‌ها برای تثبیت منافع خود به مشروعیت‌بخشی گفتمانی نیاز دارند. به‌همین دلیل، در جریان جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵م، اسرائیل در کنار استفاده از زور، کوشید از طریق روایت‌سازی و بازنمایی ایران همچون «تهدید وجودی»، علی‌رغم مخالف برخی احزاب داخلی و حدود ۱۲۰ کشور جهان، در نهایت حمایت داخلی و بین‌المللی کشورهای غربی را جلب کند. این بازنمایی ادامه‌ای است از ساختار روایی دیرینه‌ای که پس از انقلاب ۱۳۵۷ش تثبیت شد؛ انقلابی که ایران را از متحدی ژئوپلیتیکی به رقیبی ایدئولوژیکی بدل ساخت (Friedman & Ghorbankarimi, 2022: 195; Beck, 2020).

رسانه‌های رژیم صهیونیستی، از آغاز درگیری‌ها، بر نقش ایران در تجهیز و هدایت گروه‌های نیابتی نظیر حماس و حزب‌الله تأکید داشتند (Pinfold et al., 2025; Ivanov, 2025: 289). این تصویرسازی به‌مثابه حامی مستقیم حملات موشکی و پهبادی، بستر مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های نظامی علیه اهدافی در غزه، لبنان و حتی داخل ایران را فراهم کرد (Bashir et al., 2025: 69; Eslami, 2025: 299 & Kaunert, 2025). رسانه‌ها با تمرکز بر برنامه‌های هسته‌ای ایران، گفتمان تهدید را بازتولید کردند و تصویر جمهوری اسلامی را با مفاهیمی چون «بی‌ثبات‌سازی منطقه»، «دولت تروریست» و «نظم‌ستیزی ایدئولوژیکی» پیوند زدند (Maher, 2020: 226; Herman & Peterson, 2012: 24). این روایت‌ها، ضمن ایجاد حس خطر دائمی، در بسیج افکار عمومی و تقویت اضطراب امنیتی نقش کلیدی ایفا کردند.

در سطح فرهنگی، بازنمایی ایران با تأکید بر تقابل تمدنی و ارزشی همراه بود و رژیم صهیونیستی به‌عنوان مدافع دموکراسی، و ایران به‌عنوان نظامی ایدئولوژیکی و «نامتجانس با ارزش‌های غربی» به تصویر کشیده شد (Ram, 2008; Magen, 2014). این دوقطبی‌سازی نه‌تنها به مشروعیت‌بخشی تصمیم‌های نظامی کمک کرد، بلکه هویت ملی رژیم صهیونیستی را در برابر «دیگری خصمانه» تثبیت کرد (Walling, 2013; Shori et al., 2025: 84). این روایت‌ها اغلب با بهره‌گیری از خاطرات تاریخی، مانند هولوکاست، برای تقویت حس تهدیدپذیری و لزوم اقدام پیش‌دستانه همراه بود (Herman & Peterson, 2012). حتی پس از پایان جنگ، گفتمان رژیم صهیونیستی تغییر کیفی نیافت، بلکه پیچیده‌تر شد و بر ضرورت اقدام‌های پیشگیرانه، تحکیم ائتلاف‌های منطقه‌ای و ضربه به زیرساخت‌های ایران تأکید می‌شد (Keynoush, 2025; Quamar, 2025). شواهد نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی، ایران را تهدیدی پایدار و چندلایه می‌بیند و پاسخ‌های ترکیبی نظامی و اطلاعاتی را لازم می‌داند (Badhan & Jagota, 2025: 244).

درمجموع، روایت رژیم صهیونیستی از ایران در جنگ ۲۰۲۵ نمونه‌ای بارز از قدرت روایی در سیاست خارجی است؛ در شرایطی که تصویرسازی از تهدید، مشروعیت‌سازی اقدام‌ها، هویت‌پردازی ملی و بسیج افکار عمومی درهم تنیده شده و ایران به‌مثابه «دیگری تهدیدآمیز» بازنمایی شده است.

۲.۱.۵. بازنمایی رژیم صهیونیستی در گفتمان ایران

در جریان دفاع ملی در طول جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵م، در گفتمان رسمی ایران ترکیبی از مؤلفه‌های تاریخی، ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی به کار رفت. رژیم صهیونیستی در جایگاه موجودیتی نامشروع، استعمارگر و سلطه‌طلب بازنمایی شد که حاصل طرحی استعماری با حمایت قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده، است (Jalal, 2023; Rajiv, 2016: 47). در این گفتمان، رژیم صهیونیستی با مفاهیمی چون «نژادپرستی ساختاری»، «آپارتاید دینی» و «جنایت علیه بشریت» پیوند خورد تا ضمن تخطئه مشروعیت آن، انسجام هویتی و سیاسی داخلی ایران تقویت شود (Miladi, 2025; Shori et al., 2025: 84). ریشه این بازنمایی به انقلاب اسلامی بازمی‌گردد؛ انقلابی که رژیم صهیونیستی را «دشمن ایدئولوژیکی» و «شیطان کوچک» معرفی کرد و آن را نماد امپریالیسم آمریکایی در غرب آسیا دانست. چنین رویکردی هم به انسجام داخلی و هم مشروعیت بخشی به حمایت از گروه‌های نیلبدی چون حزب‌الله و حماس می‌انجامد (Ghofrani, 2024; Keynoush, 2025). گفتمان مقاومت در این چارچوب، عنصر کلیدی سیاستگذاری خارجی ایران به‌شمار می‌رود و حمایت از گروه‌های ضد رژیم صهیونیستی را مأموریتی اخلاقی و دینی تفسیر می‌کند.

در جنگ ۲۰۲۵م، روایت ایران، رژیم صهیونیستی را عامل اصلی تشدید تنش‌ها معرفی و با برجسته‌سازی رنج غیرنظامیان فلسطینی، اقدام‌های خود را «دفاع از مظلومان و عدالت» بازنمایی کرد (Ennouri et al., 2025; Pinfold et al., 2025). رسانه‌های ایرانی با انتشار گزارش‌های میدانی و تصاویری از غزه کوشیدند هم‌دلی داخلی و بین‌المللی به‌دست آورند (Alim et al., 2025). هم‌زمان، ایران تلاش کرد رژیم صهیونیستی را تهدیدی وجودی معرفی و بر برنامه هسته‌ای خود به‌مثابه راهبردی دفاعی و حق حاکمیتی تأکید کند (Buheji, 2025; Eslami & Kaunert, 2025). مقام‌های ایرانی با استفاده از مفاهیم دینی، چون «شهادت» و «جهاد»، و بازنمایی چهره‌هایی مانند سردار قاسم سلیمانی، نبرد با رژیم صهیونیستی را مأموریتی مقدس دانستند (Meng & Zhang, 2025; Quamar, 2025). رسانه‌های ایران نیز با تأکید بر ضعف رژیم صهیونیستی در برابر حملات مقاومت و گزارش اضطراب عمومی در میان شهروندان آن، تصویری از «برتری راهبردی مقاومت» ترسیم کردند (Reznik et al., 2025; Ivanov, 2025). افزون‌بر این، گفتمان ضدصهیونیستی در محصولات فرهنگی، از فیلم‌ها تا

موسیقی و برنامه‌های کودک، به نهادهای سازی این روایت کمک کرد (Saramifar, 2017). ایران، در سطح بین‌المللی، کوشید با استفاده از اعتراض‌های جهانی علیه حملات رژیم صهیونیستی، جایگاه خود را به‌عنوان مدافع حقوق بشر تثبیت کند (Kertcher & Hitman, 2025).

درمجموع، بازنمایی رژیم صهیونیستی در گفتمان ایران طی جنگ ۲۰۲۵م حاصل پیوند شکایت‌های تاریخی، تعهدهای ایدئولوژیکی و محاسبات ژئوپلیتیکی بود. این روایت، هویت مقاومت‌محور را بازتولید کرده و در مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های منطقه‌ای ایران نقش مهمی ایفا کرده است. همچنین، در این راستا، در چارچوب سازه‌نگارانه و در تعامل با دیگر هویت‌ها، همراهی یا مخالفت بازیگران منطقه‌ای با روایت ایران را می‌توان نتیجه تعامل‌های هویتی دانست. ایران در جنگ ۲۰۲۵م کوشید با بازنمایی رژیم صهیونیستی در جایگاه «دیگری نامشروع» و «تهدیدگر امت اسلامی»، هویت مشترکی با بازیگران همسو ایجاد کند. از این روایت در سطح منطقه‌ای، برخی کشورهای حوزه خلیج فارس و اعراب با بیشترین حملات به رژیم صهیونیستی، حمایت کردند (Al-Janidi & Sio, 2025). به‌طور مثال، قطر ضمن تأکید بر جنبه‌های انسانی بحران، خواستار آتش‌بس فوری شد و روایت ایران را در پوشش رسانه‌ای خود برجسته ساخت (Psaropoulos, 2025). در مقابل، کشورهایمانند امارات و بحرین که در چارچوب توافق‌های عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی عمل می‌کنند، با رویکردی محتاطانه‌تر در بیانیه‌های رسمی خود بر ضرورت «خویش‌اندازی» و «حل‌وفصل دیپلماتیکی» تأکید کردند (Bandyopadhyay, 2025; BNA, 2025). این واکنش‌ها نشان می‌دهد که فرایند «دیگری‌سازی» در سیاست منطقه‌ای، هم ممکن است به همگرایی هویتی با متحدان بالقوه بینجامد و هم به تعمیق شکاف با بازیگرانی که هویت سیاسی و امنیتی آن‌ها در پیوند با غرب و رژیم صهیونیستی تعریف شده است.

به‌طور کلی، یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که بازنمایی متقابل ایران و رژیم صهیونیستی در مدت جنگ، در مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های نظامی دو طرف کارکردی اساسی داشته است و شواهد قوی برای تأیید فرضیه فرعی نخست فراهم می‌آورد که بر نقش قدرت روایی در هویت‌سازی و توجیه سیاست خارجی تأکید دارد.

۲.۵. بحران هویتی و امنیت هستی‌شناختی

۱.۲.۵. سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران برای بازتولید هویت مقاومت

مفهوم «بحران هویتی» و «امنیت هستی‌شناختی» در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، گفتمانی چندلایه است که از تعامل پیچیده عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نشأت می‌گیرد. «امنیت هستی‌شناختی» به معنای نیاز دولت به ثبات در روایت هویتی خود و پرهیز از بی‌معنایی یا ازدست‌دادن جایگاه وجودی است؛ مفهومی که از دیدگاه پژوهشگرانی مانند گیدنز و میتزن با اهمیت هویت در سیاست بین‌الملل گره خورده است. برای درک کنش ایران در برابر بحران‌های هویتی، بررسی سیاست هویتی تهران ضروری است، زیرا سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قالب چارچوبی هویت‌محور و مقاومت‌گرایانه تعریف می‌شود؛ رویکردی که به‌ویژه در حمایت از متحدان منطقه‌ای نمود دارد (Jaspal, 2014). ریشه‌های ایدئولوژیکی این سیاست بر بستری تاریخی بنا شده است که گفتمان مقاومت در برابر سلطه‌گری غرب را تقویت می‌کند، به‌ویژه در شرایطی که تهدیدهای ادراک‌شده از سوی ایالات متحده و متحدانش در کانون اولویت‌های راهبردی ایران قرار دارد (Khalid et al., 2020).

نکته کلیدی آن است که جمهوری اسلامی در منازعه‌های طولانی‌مدت، حتی ممکن است امنیت هویتی خود را بر امنیت فیزیکی ترجیح دهد. به بیان دیگر، تا زمانی که دشمنان تهدیدی برای هویت اسلامی-انقلابی محسوب می‌شوند، تقابل ایران ادامه خواهد یافت و تنها با تغییر رفتار طرف مقابل و ایجاد اعتماد متقابل احتمال کاهش این تنش‌ها وجود دارد (Dehghani Firoozabadi, 2011: 55). در سطح منطقه‌ای، راهبرد ایران در چارچوب «بازدارندگی تدافعی» شکل می‌گیرد. نیاز به امنیت هستی‌شناختی زمانی تشدید می‌شود که هویت دولت در معرض تهدید قرار گیرد و این امر به واکنش‌های جسورانه سیاست خارجی منجر می‌شود. روابط ایران با گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و نقش آن در فرایندهای سیاسی عراق پس از سقوط صدام، نه تنها ابزاری راهبردی، بلکه تجلی سازوکار ساخت هویت مقاومت در برابر دشمنان مشترک یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی است (Azizi et al., 2020). از این منظر، تهران خود را جبهه‌ای آزادی‌بخش معرفی می‌کند که دفاع از ملت‌های تحت ستم را در چارچوب مأموریتی هویتی پی می‌گیرد. همچنین، در برابر راهبرد «فشار حداکثری» آمریکا، سیاست‌های ایران را می‌توان پاسخی برای حفاظت از امنیت هستی‌شناختی از طریق جنگ

نامتقارن و حمایت از نیروهای نیابتی در منطقه دانست (Solhdoost & Pargoo, 2022). این سیاست‌ها نه تنها به تضعیف نفوذ آمریکا می‌انجامد، بلکه بازتابی از هویت ایران به مثابه قدرتی مقاوم و ضدسلطه است. این فرایند، جمهوری اسلامی را ناگزیر می‌سازد که با هر تهدید بیرونی، هویت انقلابی خود را بازتعریف و مشروعیت داخلی و منطقه‌ای خود را حفظ کند.

در جریان جنگ جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۵م، این پیوند میان هویت مقاومت و سیاست خارجی آشکارتر شد. ساختار سیاسی ایران با بهره‌گیری از گفتمان مقاومت، هدفی دوگانه را دنبال کرد: بسیج وحدت ملی و تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی در برابر دشمنان ادراک‌شده. مواضع تهران علیه رژیم صهیونیستی در این چارچوب نه تنها دفاع از حاکمیت ملی، بلکه به مثابه رهبری مبارزه ضداستعماری تبیین شد (Khalid et al., 2020). همچنین، این جنگ پیامدهای قلیل توجهی برای پویایی هویتی ایران دارد. با تغییر فضای سیاسی در پی این درگیری، انتظار می‌رود ایران بیش از پیش به پیوند هویت مقاومت با مشروعیت خود تأکید کند. بازنمایی جنگ از منظر «دفاع از ملت و ارزش‌های اسلامی» باعث شد هویت جمعی علیه دشمن خارجی شکل گیرد؛ درعین حال، انسجام داخلی تقویت شود. این الگوی مقاومت، در تعامل تهران با گروه‌های متحد منطقه‌ای نیز دیده می‌شود (Azizi et al., 2020).

از سوی دیگر، باید خاطر نشان کرد که پیامدهای اقتصادی جنگ و تحریم‌ها، جمهوری اسلامی را به بازنمایی گفتمان «استقامت اقتصادی» سوق می‌دهد. در این گفتمان، تولید داخلی، بومی‌سازی فناوری و کاهش وابستگی به واردات، مؤلفه‌های اصلی استقلال ملی مطرح می‌شوند (Khalid et al., 2020). حتی ممکن است دولت از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، مانند افزایش اشتغال دولتی، همچون نماد مقابله با نفوذ امپریالیستی استفاده کند. هم‌زمان، انتقادهای خارجی پس از جنگ ممکن است «اثبات حقانیت مقاومت» بازنمایی شود و چرخه‌ای از ملی‌گرایی امنیت‌محور را تقویت کند. به‌طور کلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نه تنها مجموعه اقدام‌های تاکتیکی، بلکه بازتابی از روایت هویتی عمیق و ریشه‌دار است که از تجربه انقلاب اسلامی، تعهدهای ایدئولوژیکی و ضرورت بقا تغذیه می‌شود. جنگ ژوئن ۲۰۲۵م نمونه بارزی از این پیوند میان هویت و امنیت هستی‌شناختی است؛ پیوندی که در قالب گفتمان مقاومت، مشروعیت سیاست‌های داخلی و خارجی ایران را بازتولید می‌کند.

۲.۲.۵. هویت قربانی و امنیت هستی‌شناختی در سیاست رژیم صهیونیستی

در نگرش رژیم صهیونیستی، امنیت مهم‌ترین ستون سیاست خارجی و عنصر بنیادین هویت جمعی محسوب می‌شود. این رژیم با ریشه‌های عمیق امنیتی و هستی‌شناختی، درگیر محدودیت‌های ژئوپلیتیکی، احساس ناامنی تاریخی و منازعه‌های مداوم بوده است؛ عواملی که موجب می‌شود بیشتر دوران حیات خود را در وضعیت جنگی و حالت تدافعی بگذراند (تارین و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵). این رویکرد امنیتی تهاجمی و نژادپرستانه، در مواجهه با تهدیدهای منطقه‌ای و بحران‌های داخلی، از جمله اعتراض‌های اجتماعی و بحران مشروعیت سیاسی، رژیم را به اتخاذ راهبردهای نظامی پیش‌دستانه و اقدام‌های بازدارنده، حتی بهره‌گیری از تسلیحات نظامی و هسته‌ای، سوق داده است.

در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۵م، تلاش این رژیم برای بازنمایی «هویت قربانی» راهبردی کلیدی و حیاتی برجسته شد. این هویت که از دیرباز در گفتمان ملی اسرائیل جایگاه ویژه‌ای داشته است، در مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های نظامی و اثرگذاری بر افکار عمومی داخلی و بین‌المللی نقشی اساسی ایفا می‌کند (Gale, 2023). رژیم صهیونیستی پس از جنگ، با استفاده از چارچوب قربانی‌سازی، کوشید عملیات نظامی خود را نه تنها اقدامی دفاعی، بلکه ضرورتی برای بقای ملی معرفی کند و نقش خود را در آغاز تنش‌ها کم‌رنگ سازد. این روایت از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی - به‌ویژه با نمایش تلفات غیرنظامیان، تخلیه مناطق مسکونی و آثار ویرانی ناشی از حملات موشکی ایران - تقویت شد. بر اساس گزارش‌های این رژیم، حملات موشکی ایران به کشته‌شدن ۲۸ نفر و تخلیه ۱۵ هزار نفر از خانه‌هایشان منجر شد و این آمار به‌طور گسترده در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب یافت (Goldberg, 2025). به‌علاوه، محدودیت‌های سانسور نظامی، مانند منع انتشار جزئیات حملات، به تقویت این تصویر کمک کرد. اظهارات مقام‌های اسرائیلی و واکنش‌های احساسی کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز این هویت قربانی را بازنمایی کرد. این راهبرد البته با انتقادهای جدی مواجه شد؛ تحلیلگران و برخی کاربران رسانه‌های اجتماعی، رژیم صهیونیستی را آغازگر جنگ می‌دانند و معتقدند که نمی‌تواند خود را صرفاً قربانی معرفی کند. با این حال، بسیاری از رهبران غربی، اقدام‌های اسرائیل را با استدلال «دفاع پیش‌دستانه» و «حفاظت از منافع غرب» توجیه کردند (Massad, 2025).

به این ترتیب، اگرچه از منظر رئالیستی، امنیت اسرائیل صرفاً با برتری نظامی تضمین می‌شود، رویکرد سازه‌انگارانه نشان می‌دهد که امنیت هستی‌شناختی، یعنی تداوم هویت و معنا، نیز به همان اندازه حیاتی است. این امر توضیح می‌دهد که چرا اسرائیل علاوه بر حملات نظامی، تلاش کرد «هویت قربانی» خود را در سطح بین‌المللی بازتولید کند؛ چراکه گفتمان قربانی‌سازی، علاوه بر توجیه اقدام‌های نظامی، در انسجام سیاسی و اجتماعی داخلی کارکردی مهم دارد. در این گفتمان با برجسته‌سازی تهدیدهای حماس و ایران، تلاش می‌شود حس هم‌بستگی ملی و هویت جمعی حول محور آسیب‌پذیری مشترک و تجربه رنج تقویت شود. سخنان نتانیاهو در توجیه حملات گسترده، نمونه‌ای آشکار از این روایت‌سازی بود (Lam et al., 2025).

با این حال، روایت متقابل فلسطینیان و حتی ایران، که رژیم صهیونیستی را عامل خشونت ساختاری و اشغالگری می‌دانند، این چارچوب قربانی‌سازی را به چالش می‌کشد. این دوگانگی روایت‌ها بخشی از «جنگ روایت‌ها» است که در آن هر طرف تلاش می‌کند حقیقت را از منظر خود بازتعریف کند. واکنش جهانی نیز دوگانه بوده است: در حالی که حمایت سنتی از اسرائیل ادامه دارد، افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق فلسطینیان، موجب شده است در این روایت‌ها و طرح اتهام‌هایی مانند «جنايات جنگی» علیه رژیم صهیونیستی بازنگری شود (Gale, 2025).

در مجموع، «هویت قربانی» همچنان در سیاست‌های بلندمدت رژیم صهیونیستی نقشی محوری خواهد داشت. تداوم تنش‌ها، ضرورت حفظ این چارچوب گفتمانی را برای مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های نظامی و کسب حمایت داخلی و بین‌المللی دوچندان می‌کند. با این حال، تحلیل چندلایه و انتقادی این روایت‌ها برای ارزیابی پیامدهای آن بر روند صلح و ثبات منطقه‌ای ضروری است. از نکات مهمی در این چارچوب آن است که مفاهیم نوین سازه‌انگاری صرفاً در سطح بازیگران اصلی متوقف نمی‌ماند، بلکه بر رفتار و کنشگری بازیگران ثالث نیز تأثیرگذار است. به طور مثال، قدرت روایی جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۲۰۲۵م نه تنها به تقویت مشروعیت اقدام‌های داخلی و منطقه‌ای انجامید، بلکه در شکل‌دهی به رویکردها و سیاست خارجی برخی بازیگران ثالث نیز نقش قابل‌ملاحظه‌ای ایفا کرد. برجسته‌سازی گفتمان «مقاومت» و «دفاع از مظلومان» در بیانیه‌های رسمی ایران، زمینه‌ای برای همراهی دیپلماتیکی روسیه و چین در

سازمان ملل فراهم ساخت. این دو کشور با رأی منفی به قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)^۱، در عمل روایت ایران را مبنی بر «حق حاکمیت هسته‌ای» و مخالفت با هنجارهای غرب محور تقویت کردند (Vatanka et al., 2025; Atlantic Council, 2025). این گفتمان همچنین، در بخشی از افکار عمومی ترکیه بازتاب یافت و موجب شد بر دولت آنکارا برای اتخاذ موضع انتقادی در قبال حملات رژیم صهیونیستی فشار وارد آید، هرچند سیاست رسمی ترکیه همچنان محتاطانه باقی ماند (RFI, 2025).

از سوی دیگر، چارچوب امنیت هستی‌شناختی رژیم صهیونیستی که بر بازنمایی «هویت قربانی» استوار است، باعث شد برخی کشورهای اروپایی، مانند آلمان، سیاست حمایت بی‌قیدوشرط را از این رژیم در دستورکار قرار دهند (Azizi & van Veen, 2025). باین‌حال، همین چارچوب هویتی در میان برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس واکنش متفاوتی برانگیخت؛ دولت‌هایی که نگران بازتاب منفی در افکار عمومی داخلی بودند، از همراهی آشکار با این روایت خودداری کردند و حتی در سطح دیپلماتیکی پیام‌هایی به ایران ارسال کردند تا از گسترش دامنه درگیری جلوگیری شود (Al-Janidi & Sio, 2025). این موارد نشان می‌دهد که مفاهیمی همچون قدرت روایی و امنیت هستی‌شناختی، صرفاً در سطح دو‌بازیگر اصلی محدود نمی‌ماند، بلکه به‌طور مستقیم بر رفتار و محاسبات سیاست خارجی سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز اثرگذار است (Miskimmon et al., 2024; Mitzen & Larson, 2017). به‌طور کلی، تحلیل این بخش نشان می‌دهد که هر دو طرف در واکنش به فشار ناشی از تهدیدهای هویتی، سیاست خارجی خود را در جهت تثبیت و بازتولید هویت ملی سامان داده‌اند. این امر در واقع فرضیه فرعی دوم را مبنی بر وجود پیوند میان بحران هویتی، امنیت هستی‌شناختی و الگوهای کنش خارجی تأیید می‌کند.

۳.۵. تقابل هنجاری در سطح بین‌المللی

۱.۳.۵. چالش روایت‌های حقوق بشری و تروریسم در سیاست رژیم صهیونیستی

روایت‌های حقوق بشری در مواجهه با تروریسم، به‌ویژه در بستر رژیم صهیونیستی، به یکی از جدی‌ترین چالش‌های نظم بین‌الملل تبدیل شده است. رژیم صهیونیستی با تکیه بر گفتمان «مبارزه با تروریسم» و «امنیت ملی»، بارها تلاش

1. International Atomic Energy Agency

کرده است اقدام‌های نظامی و سرکوب‌گرایی خود را علیه فلسطینی‌ها در چارچوب دفاع مشروع و مقابله با تهدیدهای وجودی توجیه کند (Fernandes, 2025). در این چارچوب، مفاهیمی همچون امنیت، بازدارندگی و دفاع پیش‌دستانه به ابزاری برای تضعیف یا دورزدن هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر تبدیل شده است. این رژیم - به‌ویژه پس از هر بحران نظامی، از جمله جنگ‌های غزه یا تنش‌های مستقیم با ایران - می‌کوشد با بهره‌گیری از «هویت قربانی»، مشروعیت بین‌المللی اقدام‌های خود را بازسازی کند و یا با برجسته‌سازی تلفات غیرنظامیان اسرائیلی و نمایش خود در جایگاه کشوری تحت تهدید دائمی تروریسم، گفتمان بین‌المللی را به سمت هم‌دردی و هم‌سویی با خود سوق دهد. در مقابل، بسیاری از نهادهای حقوق بشری اقدام‌های رژیم صهیونیستی را در سرزمین‌های اشغالی ناقض اصول بنیادین حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه دانسته و حتی آن را مصداق جنایات جنگی ارزیابی کرده‌اند (Fitriyah & Fadhil, 2025).

از این رو، می‌توان نشان داد که روایت‌های متقابل، در تثبیت یا بازتعریف هنجارهای بین‌المللی کارکردی دوگانه ایفا می‌کند. روایت رژیم صهیونیستی با تأکید بر «دفاع مشروع» و «حق دفاع پیش‌دستانه»، در عمل مرزهای سنتی این هنجارها را جابه‌جا کرده است و به مشروعیت‌بخشی استفاده پیش‌گیرانه از زور کمک می‌کند. این رژیم حمله پیش‌دستانه را نوعی دفاع مشروع قلمداد کرد و قطعنامه شورای حکام را مستمسکی برای این حمله قرار داد. از سوی دیگر راهبرد ابهام هسته‌ای ایران را زیر سؤال برد و آن را مترادف با تلاش پنهان ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای دانست و با نیت‌خوانی و دستکاری روایت، تلاش کرد حق ایران را برای غنی‌سازی به تلاش برای تسلیحات اتمی با اهداف نظامی جلوه دهد و بدین ترتیب حملات خود را توجیه کرد؛ امری که ممکن است به تضعیف هنجار منع توسل به زور و حتی فرسایش اصل منع اشاعه بینجامد.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران با روایت برجسته‌سازی مفاهیمی چون «حق مقاومت» و «حق تعیین سرنوشت» می‌کوشد این هنجارها را در گفتمان منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کند؛ درعین حال مشروعیت هنجارهای غرب‌محور (مانند قرائت خاص از منع اشاعه) را به چالش بکشد. این تقابل روایی نشان می‌دهد که جنگ ۲۰۲۵م نه تنها بر سر قلمرو و امنیت فیزیکی، بلکه بر سر معنای هنجارها و حدود اعتبار آن‌ها نیز جریان داشته است. در واقع، گرچه تحلیل رئالیستی، بازتعریف هنجارهایی مانند «دفاع مشروع» را در چارچوب منافع

قدرت‌های بزرگ توضیح می‌دهد، سازه‌انگاری نشان می‌دهد که این بازتعریف‌ها محصول رقابت‌های معنایی و روایی است و مشروعیت بین‌المللی بدون این فرایندهای گفتمانی به‌دست نمی‌آید. به همین دلیل، اسرائیل ناگزیر است در کنار توان نظامی، به بازتولید روایت‌های امنیتی و اخلاقی بپردازد.

از سوی دیگر، در سطح هنجاری، سازوکارهایی مانند «مسئولیت حمایت» و «مسئولیت برای عدم وتو» در مواجهه با بحران فلسطین ناکارآمدی خود را نشان داده است. با وجود گزارش‌های متعدد سازمان‌های حقوق بشری درباره استفاده نامتناسب از زور، مجازات جمعی و اشغالگری مستمر، شورای امنیت به دلیل وتوهای مکرر ایالات متحده از هرگونه اقدام عملی بازمانده است (Upadhyay & Mehrotra, 2025). این امر نه تنها هنجارهای بین‌المللی را تضعیف کرده، بلکه موجب شده است به رویکرد گزینشی قدرت‌های غربی در استفاده از این هنجارها مشروعیت داده شود. رژیم صهیونیستی در بسیاری از موارد از پاسخگویی حقوقی گریزان بوده و اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه مانند اصل تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان یا اصل تناسب را نقض کرده است. توجیه این نقض‌ها تحت عنوان مبارزه با تروریسم، سبب بی‌اعتنایی به قربانیان فلسطینی و کاهش مسئولیت‌پذیری جهانی شده است (Runa, 2025). در واقع، تأکید بیش‌ازحد بر امنیت و تهدید، مفاهیم حقوق بشر را به امری ثانویه و حتی مزاحم در فرایندهای امنیتی تبدیل کرده است (Moise & Wang, 2025). این امر نه تنها اعتبار نهادهای بین‌المللی همچون شورای حقوق بشر و دیوان کیفری بین‌المللی را خدشه‌دار کرده، بلکه اعتماد عمومی به این نهادها را نیز کاهش داده است. درنهایت، چالش اصلی درباره رژیم صهیونیستی، حفظ توازن میان هنجارهای حقوق بشری و ادعاهای امنیتی است. درحالی‌که این رژیم با تأکید بر تهدیدهای «تروریستی» مشروعیت خود را بازتولید می‌کند، قدرت‌های غربی اغلب با سکوت یا حمایت از این رویکرد همراه شده‌اند. چنین همراهی‌ای، تداوم دوگانگی در اجرای اصول حقوق بشری را به‌دنبال داشته است؛ بنابراین، برای دستیابی به نظامی عادلانه‌تر در عرصه جهانی لازم است روایت‌های حقوق بشری، تقویت سازوکارهای پاسخگویی و مقابله با سیاست‌های گزینشی در اجرای حقوق بین‌الملل بازتعریف شود.

۲.۳.۵. مقاومت ایران در برابر هنجارهای تحمیلی غرب محور

جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ش،

مقاومتی چندلایه و ریشه‌دار را در برابر هنجارهای غرب‌محور از خود نشان داده است. این مقاومت که از خاطرات تاریخی مداخله‌های استعماری و نواستعماری قدرت‌های غربی سرچشمه می‌گیرد، به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی و سیاست خارجی ایران تبدیل شده است (Göksel, 2019). انقلاب اسلامی با شعار «استقلال» و طرد «هژمونی غرب» چارچوبی ایدئولوژیکی بنیان نهاد که در آن هنجارهای لیبرال‌دموکراتیک، رژیم‌های بین‌المللی و ارزش‌های فرهنگی غربی ابزارهای سلطه‌گری امپریالیستی تفسیر می‌شوند (Stein, 2017). این نگاه که در پای‌بندی به استقلال فرهنگی و سیاسی ریشه دارد، ایران را در جایگاه بازیگری تجدیدنظرطلب در نظم جهانی تثبیت کرده است (Soltaninejad, 2019).

بر اساس نظریهٔ سازه‌نگاری و رهیافت منازعهٔ هنجاری، مقاومت ایران تنها به معنای رد هنجارهای جهانی نیست، بلکه فرایندی پویا برای بازتعریف، بومی‌سازی و بازسازی هنجارها در راستای هویت و منافع ملی به‌شمار می‌رود (Lantis & Wunderlich, 2018). در این رویکرد با تأکید بر تعامل‌های میان‌ذهنی، نشان داده شده است که ایران با بهره‌گیری از عاملیت خود، هنجارهای تحمیلی را به چالش کشیده است و آن‌ها را در بستر محلی بازآفرینی می‌کند (Iommi, 2019). این مقاومت به‌ویژه در مواجهه با فشارهای غرب برای تحمیل هنجارهای لیبرال یا رژیم‌های کنترل تسلیحاتی، به بازتولید هویت مقاومت‌محور ایران منجر شده است (Rivera, 2022). نمونهٔ برجستهٔ این پویایی هنجاری را می‌توان در جنگ ۱۲ روزهٔ ایران و رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۵ مشاهده کرد. این جنگ، نه‌تنها درگیری‌ای نظامی، بلکه صحنه‌ای از رقابت هنجاری میان ایران و نظم غرب‌محور بود. ایران در این جنگ، با رد هنجارهای تحمیلی و بازتعریف آن در راستای گفتمان مقاومت، خود را در جایگاه بازیگری فعال و مقاوم در برابر سلطه‌گری غرب معرفی کرد.

یکی از محورهای اصلی این منازعهٔ هنجاری، موضع ایران در قبال رژیم عدم‌اشاعهٔ هسته‌ای بود. ایالات‌متحده و رژیم صهیونیستی، برنامهٔ هسته‌ای ایران را تهدیدی علیه نظم بین‌المللی قلمداد کردند و از طریق قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تحریم‌های اقتصادی، ایران را تحت فشار گذاشتند (The Washington Institute, 2025). بااین‌حال، ایران با فعال‌سازی سایت غنی‌سازی و تهدید به خروج از معاهدهٔ عدم‌اشاعه (NPT)^۱ در واکنش به قطعنامهٔ

1. Nuclear Non-Proliferation Treaty

۲۲ خرداد ۱۴۰۴م آژانس، مقاومت خود را به نمایش گذاشت (Atlantic Council, 2025). این اقدام که بر حق حاکمیتی ایران در دستیابی به فناوری هسته‌ای تأکید دارد، نمونه‌ای از بازتعریف هنجارهای جهانی در بستر محلی بود (Iommi, 2019). ایران با تأکید بر ماهیت دفاعی برنامه هسته‌ای، رژیم عدم‌اشاعه را ابزاری برای حفظ هژمونی غرب و مهار کشورهای غیرغربی معرفی کرد (Eslami & Kaunert, 2025). همچنین، ایران در این جنگ با بهره‌گیری از گفتمان «دفاع از مظلومان» و حمایت از گروه‌های مقاومت نظیر حزب‌الله و حماس، هویت انقلابی و مقاومت‌محور خود را بازتولید کرد (Shori et al., 2025) و با برجسته‌سازی رنج غیرنظامیان فلسطینی در غزه، هنجارهای حقوق بشری غرب را به چالش کشید و آن را ابزاری دوگانه برای مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های رژیم صهیونیستی معرفی کرد (Ennouri et al., 2025). این چانه‌زنی هنجاری، بازتعبیر هنجارهای حقوق بشری در چارچوب گفتمان مقاومت را نمایان ساخت. البته، باید خاطرنشان کرد که ساختار حکمرانی متمرکز ایران، به‌ویژه نقش رهبری و سپاه پاسداران، در پیشبرد این مقاومت هنجاری نقشی محوری ایفا کرد. رهبر ایران با تأکید بر «پیروزی جمهوری اسلامی»، علی‌رغم خسارات جنگ، روایتی را ترویج داد که شکست در برابر فشارهای غرب را ناممکن جلوه می‌داد. سپاه پاسداران نیز با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی، پاسخ‌های نظامی و دیپلماتیکی ایران را هدایت کرد و مانع تسلیم در برابر فشارهای هنجاری غرب شد (The New York Times, 2025b).

در سطح منطقه‌ای، ایران با مدیریت روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس و تأکید بر پرهیز از گسترش درگیری، از انزوای دیپلماتیکی اجتناب کرد (The Washington Institute, 2025). افزون‌بر این، جمهوری اسلامی ایران کوشید از طریق همراه‌سازی بازیگران غیرغربی و بهره‌گیری از رسانه‌های بین‌المللی همسو، به شکل‌دهی هنجارهای جایگزین بپردازد. همراهی دیپلماتیکی روسیه و چین در شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بازتاب مثبت روایت ایران در رسانه‌هایی چون *الجزیره* و شبکه‌های روسی و همسویی نسبی قطر و بخشی از افکار عمومی ترکیه، نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست. این اقدام‌ها، بخشی از راهبرد هنجاری ایران برای به‌چالش کشیدن قرائت‌های غرب‌محور از مفاهیمی چون «حق حاکمیت هسته‌ای» و «حق مقاومت» به‌شمار می‌رود. این هم‌سویی، نشانگر توانایی تهران در ایجاد ائتلاف‌های ضدغربی برای بازتعریف نظم هنجاری جهانی

بود (MEC, 2024). در مجموع، جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۵م نشان داد که ایران با اتکا به هویت مقاومت محور، رد رژیم عدم اشاعه هسته‌ای و بازتعریف هنجارهای حقوق بشری، عاملیت خود را در بازسازی نظم جهانی به نمایش گذاشت. این مقاومت که از تاریخچه انقلاب اسلامی و فرهنگ راهبردی ایران ریشه می‌گیرد، نه تنها مشروعیت داخلی را تقویت کرد، بلکه جایگاه ایران را به عنوان بازیگری تجدیدنظرطلب در نظم بین‌المللی تثبیت کرد.

۳.۳.۵. روایت‌های رقیب در مجامع بین‌المللی و سازمان ملل

منازعه هنجاری غرب و رژیم صهیونیستی علیه ایران در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش ریشه دارد؛ زمانی که ایران با اتخاذ گفتمان ضدامپریالیستی و حمایت از جنبش‌های مقاومت، به‌ویژه در برابر رژیم صهیونیستی، هنجارهای غربی مبتنی بر نظم لیبرال و منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای را به چالش کشید (Jalal, 2023). رژیم صهیونیستی و ایالات متحده با بازنمایی ایران به عنوان تهدیدی وجودی و حامی گروه‌های شبه‌نظامی مانند حزب‌الله و حماس، تلاش کردند هنجارهای امنیت جهانی و منع اشاعه را در راستای منافع خود بازتعریف کنند (Akhtar, 2023). این تقابل در مجامع بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، با تأکید غرب و رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای ایران و اقدام‌های منطقه‌ای آن شدت یافت، درحالی‌که ایران با تکیه بر هنجارهای حاکمیت ملی و مقاومت، روایت‌های رقیب را به چالش کشید (Eslami & Kaunert, 2025).

رهیافت منازعه هنجاری یکی از گسترش‌های نظریه سازه‌نگاری و چارچوبی تحلیلی برای فهم پویایی‌های بازتعریف و تحول هنجارها در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود (Deitelhoff, 2020). بر پایه این رویافت، منازعه نه صرفاً نشانه‌ای از مقاومت، بلکه سازوکاری برای بازسازی و مشروع‌سازی هنجارهاست که از طریق فرایندهای تفسیری و چلنه‌زنی در بسترهای متکثر شکل می‌گیرد (Lantis & Wunderlich, 2018).

در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، مجامع بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، به صحنه‌ای برای تقابل هنجاری میان روایت‌های ایران با رژیم صهیونیستی و غرب (ایالات متحده و اروپا) تبدیل شد. رژیم صهیونیستی تحت حمایت آمریکا، در این مجامع، روایتی را پیش برد که ایران را به دلیل برنامه هسته‌ای و حمایت از گروه‌های نیابتی، تهدیدی وجودی برای امنیت خود و نظم جهانی معرفی می‌کرد. در واقع، روایت‌سازی نهادهای بین‌المللی، چون شورای

امنیت سازمان ملل و شورای حکام، نیز تحت تأثیر روایت‌سازی قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا، قرار داشت. این روایت که در بستر منازعهٔ هنجاری شکل گرفته بود، بر هنجار منع اشاعهٔ تسلیحات هسته‌ای و ضرورت حفظ امنیت بین‌المللی استوار بود (Iommi, 2019). در جریان این جنگ، رژیم صهیونیستی حملات پیش‌دستانهٔ خود را به تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران اقدامی ضروری برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای توصیف کرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، با استناد به غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیم در ایران، این اقدام را فاقد کاربرد صلح‌آمیز دانست و حملات را مشروع جلوه داد (The Times of Israel, 2025). این روایت با تأکید بر توان موشکی ایران و حمایت آن از گروه‌هایی مانند حماس و حوثی‌ها تقویت و بخشی از «راهبرد حلقهٔ آتش» ایران معرفی و تهدیدی برای ثبات منطقه تلقی شد (Council on Foreign Relations, 2025). در شورای امنیت سازمان ملل، نمایندگان رژیم صهیونیستی این حملات را پاسخی به اقدام‌های نیابتی ایران، به‌ویژه پس از حملهٔ حماس در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ ش/ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ توجیه کردند (Bolton, 2025). در این روایت که در چارچوب هنجارهای امنیتی و بازدارندگی شکل گرفته بود، تلاش شد تا اقدام‌های نظامی رژیم صهیونیستی دفاع مشروع و هم‌راستا با هنجارهای بین‌المللی معرفی شود. با این حال، منازعهٔ هنجاری در این زمینه زمانی آشکار شد که جناح‌های داخلی رژیم صهیونیستی، نتانیاهو را به بهره‌برداری سیاسی از جنگ برای تقویت جایگاه خود متهم کردند. این امر نشان‌دهندهٔ تنش میان هنجارهای دموکراتیکی داخلی و راهبردهای امنیتی خارجی بود (Tehran Times, 2025).

روایت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده و اروپا، ضمن هم‌راستایی با روایت رژیم صهیونیستی، بر هنجارهای گسترده‌تری مانند منع اشاعهٔ تسلیحات هسته‌ای و امنیت جهانی تمرکز داشت. این روایت‌ها در چارچوب منازعهٔ هنجاری، تلاش بود برای آنکه هنجارهای جهانی در راستای منافع ژئوپلیتیکی غرب بازتعریف شود (Ün, 2019).

ایالات متحده، تحت رهبری دونالد ترامپ، در جنگ به رژیم صهیونیستی پیوست و به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد. مقام‌های آمریکایی این اقدام‌ها را با استناد به فعالیت‌های هسته‌ای ایران و ممانعت از بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توجیه کردند (CNN, 2025; Bolton, 2025). در سازمان ملل، ایالات متحده با تأکید بر اینکه ایران معاهدهٔ عدم‌اشاعه (NPT) و قطعنامهٔ ۲۲۳۱

شورای امنیت را نقض کرده است، حملات را اقدامی برای حفظ نظم جهانی مبتنی بر منع اشاعه مشروع جلوه داد. این روایت که در بستر منازعه هنجاری شکل گرفته بود، با پرهیز از اشاره به تلفات غیرنظامی ناشی از حملات رژیم صهیونیستی، بر پاسخ موشکی و پهبادی ایران متمرکز شد. همچنین، حمله ایران به پایگاه نظامی آمریکا در قطر همچون نشانه‌ای از اقدام‌های تشدیدکننده و تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای معرفی شد (Moneycontrol, 2025). این رویکرد نشان‌دهنده تلاش ایالات متحده برای بازتعریف هنجارهای امنیت جهانی در راستای منافع خود و متحدانش است، درحالی‌که هنجارهای احترام به حاکمیت ملی به حاشیه رانده می‌شود (Maurer & Wright, 2021).

در روایت‌های اروپایی، در مقایسه با ایالات متحده، رویکردی محتاطانه‌تر اتخاذ شد. فریدریش مرتس، سیاستمدار آلمانی، از حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا حمایت کرد و اظهار داشت که برنامه هسته‌ای ایران بدون نظارت باقی نمی‌ماند (Bolton, 2025). با این حال، در نشست‌های مختلف، برخی دیپلمات‌های اروپایی بر لزوم گفتگو و کاهش تنش تأکید داشتند که نشان‌دهنده تنش میان هنجارهای امنیتی و دیپلماتیک در اروپاست (The Times of Israel, 2025). این تفاوت در روایت‌ها که در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی متنوع اروپا ریشه دارد، بیانگر پویایی هنجارها همچون مفاهیمی سیال و وابسته به زمینه است (Isaacs, 2017).

علاوه بر سطح دیپلماتیکی، منازعه هنجاری در عرصه عمومی و رسانه‌ای نیز بروز یافت (Lantis, 2016). رژیم صهیونیستی و غرب از ابزارهای جنگ روانی برای تقویت روایت‌های خود بهره بردند. رژیم صهیونیستی با استفاده از محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی در پلتفرم‌هایی مانند/یکس و تلگرام، تلاش کرد با کاهش اعتماد عمومی به دولت ایران، هنجارهای مشروعیت سیاسی را در این کشور به چالش بکشد (The New York Times, 2025a). این اقدام‌ها نشان‌دهنده تلاش برای بازتعریف هنجارهای سیاسی از طریق ابزارهای غیرنظامی است (Hansen-Magnusson et al., 2018). رسانه‌های غربی نیز با برجسته‌سازی اقدام‌های ایران، مانند هشدارهای عبری‌زبان به شهروندان رژیم صهیونیستی، روایتی را ترویج کردند که ایران را بازیگری تهاجمی و غیرقابل اعتماد معرفی می‌کرد. این تلاش‌ها که در چارچوب منازعه هنجاری قرار دارد، نقش رسانه‌ها را در شکل‌دهی به ادراک عمومی و مشروع‌سازی هنجارهای امنیتی آشکار می‌سازد (Falomir-Pichastor et al., 2004).

درمجموع، روایت‌های رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی در مجامع بین‌المللی، با تأکید بر هنجارهای منع اشاعه و امنیت جهانی، ایران را تهدیدی برای نظم بین‌المللی معرفی کرد و مبنایی برای فشارهای دیپلماتیکی و نظامی فراهم آورد. بااین‌حال، این روایت‌ها در برابر مقاومت کشورهای غیرغربی و پویایی‌های نظم چندقطبی با چالش‌هایی مواجه شد. سازمان ملل، به‌عنوان میدان اصلی این منازعه هنجاری، به‌دلیل شکاف‌های ژئوپلیتیکی، توان اقدام مؤثری ندارد. خطر تشدید تنش‌ها، به‌ویژه با توجه به توان هسته‌ای بالقوه ایران و موضع‌گیری نظامی رژیم صهیونیستی، همچنان پابرجاست (Daftari, 2025). منازعه هنجاری، همچون نیروی محرکه تحول هنجارها، نشان می‌دهد که روابط بین‌الملل فراتر از رقابت‌های مادی، میدان پیچیده‌ای از بازتعریف معنا و مشروعیت است (Birdsall, 2016). به‌طور کلی، تحلیل دقیق‌تر مشروعیت هنجارهای غرب‌محور، ازجمله بررسی نقش هنجار منع اشاعه، نشان می‌دهد که این هنجار چگونه در چارچوب‌های بین‌المللی به نفع قدرت‌های اتمی تثبیت‌شده، مانند ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، اعمال می‌شود. درحالی‌که با این هنجارها درباره کشورهای غیراتمی، نظیر ایران، برنامه هسته‌ای محدود و فشارها افزایش می‌یابد، برای قدرت‌های اتمی هیچ‌گونه محدودیتی در این زمینه اعمال نمی‌شود. به‌علاوه، نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل، در مواجهه با هنجارهای مقاومتی ایران درباره حق حاکمیت هسته‌ای، بیشتر از نظم جهانی غرب‌محور حمایت کرده‌اند آنکه نقش بی‌طرفانه‌ای در این زمینه ایفا کنند. این فرایند در تضاد با اصول عدالت و انصاف بین‌المللی است که بر بی‌طرفی و احترام به حاکمیت ملی تأکید دارد.

اهمیت دارد که یادآور شویم، از منظر منازعه هنجاری، می‌توان میان دو دسته هنجار تمایز قائل شد: نخست، هنجارهای تثبیت‌شده‌ای همچون «منع اشاعه هسته‌ای» و «منع توسل به زور» که در نظام حقوق بین‌الملل مشروعیت گسترده‌ای دارد، اما در بستر جنگ ۲۰۲۵م نیز محل مناقشه تفسیری قرار گرفت؛ دوم، هنجارهایی که در حال چالش‌پذیری یا بازتعریف است، مانند «حق مقاومت» که جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید دارد و «حق دفاع پیش‌دستانه» که رژیم صهیونیستی می‌کوشد آن را توجیهی برای اقدام‌های نظامی خود بازتعریف کند. این تمایز تحلیلی نشان می‌دهد که منازعه ایران و رژیم صهیونیستی نه‌تنها بر سر تفسیر هنجارهای موجود، بلکه بر سر مشروعیت‌بخشی یا تغییر هنجارهای نوظهور

نیز جریان دارد. بررسی مجادله‌های هنجاری در نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران و رژیم صهیونیستی، هریک با بهره‌گیری از چارچوب‌های هنجاری متفاوت، در پی کسب مشروعیت بین‌المللی و تضعیف روایت رقیب بوده‌اند؛ این امر فرضیه فرعی سوم را، مبنی بر تأکید بر تقابل هنجاری و تلاش برای بازتعریف هنجارها، تأیید می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

جنگ ایران و رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۵م، فراتر از تقابلی نظامی، صحنه‌ای پیچیده از منازعه‌های هویتی، روایی و هنجاری بود. در این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظریه سازه‌نگاری و تمرکز بر سه مفهوم کلیدی قدرت روایی، امنیت هستی‌شناختی و منازعه هنجاری، نشان دادیم که چگونه ساختارهای معنایی و گفتمانی سیاست خارجی دو طرف را شکل داده و بر موازنه قدرت منطقه‌ای تأثیر گذاشته است. از منظر قدرت روایی، هر دو طرف با روایت‌سازی‌های متقابل تلاش کردند تا اقدام‌های خود را مشروع جلوه دهند. ایران با تأکید بر گفتمان مقاومت و دفاع از مظلومان، هویت انقلابی و ضداستعماری خود را تقویت کرد، درحالی‌که رژیم صهیونیستی با برجسته‌سازی تهدید وجودی ایران، کنش‌های نظامی خود را در چارچوب دفاع مشروع توجیه کرد. این روایت‌ها نه تنها در عرصه داخلی، بلکه در سطح بین‌المللی نیز به ابزاری برای جلب حمایت و مشروعیت‌بخشی تبدیل شد. در سطح امنیت هستی‌شناختی، بحران هویتی در رفتار دو طرف نقش محوری ایفا کرد. ایران با تکیه بر هویت مقاومت‌محور، به بازتولید گفتمان انقلابی پرداخت. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی با بازنمایی «هویت قربانی»، به بسیج داخلی و تقویت انسجام ملی دست زد. این فرایندها نشان می‌دهد که امنیت تنها به بُعد فیزیکی محدود نیست، بلکه حفظ انسجام هویتی و معنایی نیز برای دولت‌ها حیاتی است.

در عرصه منازعه هنجاری، تقابل دو طرف بر سر مفاهیمی مانند حقوق بشر، تروریسم و حق حاکمیت هسته‌ای، به مجادله‌هایی جدی در نهادهای بین‌المللی انجامید. ایران با به‌چالش کشیدن هنجارهای غرب‌محور و تأکید بر حق حاکمیت ملی، خود را بازیگری تجدیدنظرطلب در نظم جهانی معرفی کرد، درحالی‌که رژیم صهیونیستی و متحدان غربی آن با تمرکز بر هنجارهای امنیتی و منع اشاعه، اقدام‌های خود را توجیه کردند. این تقلیل، پویایی هنجارها را مفاهیمی سیال و وابسته به زمینه آشکار ساخت.

درمجموع، این جنگ نشان داد که منازعه‌های معاصر را تنها با رویکردهای مادی‌گرایانه نمی‌توان تحلیل کرد، بلکه نیازمند فهمی عمیق از فرایندهای معناسازی، هویت‌پردازی و مشروعیت‌بخشی است. تأثیرهای این تقابل بر نظم منطقه‌ای و جهانی پایدار خواهد بود و نشان‌دهنده آن است که در روابط بین‌الملل، «معنا» و «هویت» به‌اندازه «قدرت» و «امنیت» اهمیت دارد. این یافته‌ها نه تنها به درک بهتر منازعه و جنگ ایران و رژیم صهیونیستی کمک می‌کند، بلکه چارچوبی نظری برای تحلیل سایر درگیری‌های معاصر در جهان چندقطبی فراهم می‌آورد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- آقای د، رسولی ا. (۱۳۸۸). «سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل». فصلنامه سیاست. ۳۹(۱): ۱-۱۶. https://jppq.ut.ac.ir/article_20142.html
- تارین م، جانسیز ا، سیمیر ر. (۱۴۰۲). «پیامدهای بحران هویت در ناامنی هستی‌شناختی و راهبردهای سیاست خارجی اسرائیل». فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ۱۵(۵۵): ۲۵-۱۵. <https://doi.org/10.30495/PIR.2023.1993562.3654>
- روستایی م، کرمی ع، امینی ع. (۱۴۰۴). «تغییر موازنه بازدارندگی هسته‌ای پس از عملیات

- وعده صادق (۱ و ۲). «سیاست پژوهی ایرانی (سپهر سیاست سابق)». ۱۲(۱): ۳۵-۵۲.
<https://sanad.iau.ir/Journal/se/Article/1198434/FullText>
- شهبازی ا. (۱۳۹۳). «ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه». خردنامه. ۴(۱۲): ۹۱-۱۱۲.
<https://ensani.ir/fa/>
- مؤمنی م، رحیمی ا. (۱۳۹۶). «تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی-امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان». مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱۰(۲): ۴۱۵-۴۳۱.
<https://doi.org/10.22059/jcep.2018.210209.449655>
- واعظ ح، خداوردی ح، کشیشیان سیرکی گ، دهشیری م. (۱۴۰۲). «عادی سازی روابط عربستان و رژیم اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تهدیدات علیه محور مقاومت». فصلنامه مطالعات بین المللی. ۱۹(۴): ۲۸۷-۳۱۴.
<https://doi.org/10.22034/isj.2023.347291.1853>
- Aghaei D, Rasouli E. (2009). "Constructivism and Iran's foreign policy towards Israel". *Politics Quarterly*. 39(1): 1-16. https://jpq.ut.ac.ir/article_20142.html. [in Persian]
- Akhtar R. (2023). "Relations between the United States and Iran under the presidency of Mahmud Ahmadinejad". *Pakistan Languages and Humanities Review*. 7(II).
[https://doi.org/10.47205/plhr.2023\(7-ii\)40](https://doi.org/10.47205/plhr.2023(7-ii)40).
- Alim S, Effendi Y, Wahyudi A. (2025). "Framing the Iran-Israel conflict: A comparative analysis of Al-Jazeera and BBC news coverage in April 2024". *Journal of Islamic Civilization*. 6(2): 166-180.
<https://doi.org/10.33086/jic.v6i2.6537>.
- Al-Janidi L, Sio M. (2025). "21 Arab, Muslim nations condemn Israeli strikes on Iran, urge de-escalation". *Anadolu Ajansı*. <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/21-arab-muslim-nations-condemn-israeli-strikes-on-iran-urge-de-escalation/3601100#>.
- Atlantic Council. (2025). "Twenty questions (and expert answers) on the Israel-Iran war". June 17. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/twenty-questions-and-expert-answers-on-the-israel-iran-war/>.
- Azizi H, van Veen E. (2025). "The EU's response to Israel's assault on Iran: The justified, the hypocritical and the vacuous". *Clingendael International Affairs Think Tank and Academy*. <https://www.clingendael.org/publication/eus-response-israels-assault-iran-justified-hypocritical-and-vacuous>.
- Azizi H, Golmohammadi V, Vazirian A. (2020). "Trump's 'maximum pressure' and anti-containment in Iran's regional policy". *Digest of Middle East Studies*. 29(2): 150-166. <https://doi.org/10.1111/dome.12219>.
- Badhan D, Jagota R. (2025). "Geopolitical interests and contemporary conflicts in the Middle East". *International Journal of Innivations in Science Engineering and Management*. 244-252. <https://doi.org/10.69968/ijisem.2025v4i2244-252>.
- BAN: Bahrain News Agency. (2025). "Bahrain condemns Israeli Attack on Iran". <https://www.bna.bh/En/BahraincondemnsIsraeliAttackonIran.aspx?cms=q8FmFJgiscL2fwIzON1%2BDtWPNU6j8s2LqjP5OcUINt0%3D>.
- Bandyopadhyay B. (2025). "UAE condemns Israel's attack on Iran, calls for necessary steps to achieve ceasefire". *Khaleej Times*.
<https://www.khaleejtimes.com/uae/uae-condemns-israel-attack-on-iran>.
- Bashir B, Ahmed Z, Mirza SJ, Elham A. (2025). "Media biasness in conflict reporting: A comparative study of cnn and Al Jazeera coverage of humanitarian crisis in Gaza". *Inverge Journal of Social Sciences*. 4(2): 69-77.

- <https://doi.org/10.63544/ijss.v4i2.126>.
- Beck M. (2020). "The aggravated struggle for regional power in the Middle East: American allies Saudi Arabia and Israel versus Iran". *Global Policy*. 11(1): 84-92. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.12778>.
- Birdsall A. (2016). "But we don't call it 'torture'! Norm contestation during the US 'war on terror'". *International Politics*. 53(2): 176-197. <https://doi.org/10.1057/ip.2015.42>.
- Blommaert J, Bulcaen C. (2000). "Critical discourse analysis". *Annual Review of Anthropology*. 29(1): 447-466. <https://doi.org/10.1146/annurev.anthro.29.1.447>.
- Boulos DN, Hassan AM. (2023). "Using the health belief model to assess COVID-19 perceptions and behaviours among a group of Egyptian adults: a cross-sectional study". *BMC Public Health*. 23(1): 1624. <https://doi.org/10.1186/s12889-023-16513-x>.
- Bolton JR. (2025). "How the West can ensure Iran never gets the bomb". *The Atlantic*. July 9. <https://www.theatlantic.com/international/archive/2025/07/western-alliance-nuclear-iran/683465/>.
- Brummer K, Oppermann K. (2024). "4. Social constructivism" (pp. 64-87). *Foreign Policy Analysis*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/hepl/9780192857453.003.0004>.
- Buheji M. (2025). "War on Gaza: The long-term spillover effects that yet to be realised". *International Journal of Multidisciplinary Research and Growth Evaluation*. 6(3): 1635-1645. <https://doi.org/10.54660/ijmrge.2025.6.3.1635-1645>.
- Česnakas G. (2021). "You shall not pass: The strategic narratives defining Russia's soft power in Lithuania". *Baltic Journal of Law & Politics*. 14(2): 1-25. <https://doi.org/10.2478/bjlp-2021-0008>.
- Ceydilek E. (2023). "Not necessarily existential threats: Identity-constitutive role of the foreign policy discourse on distant humanitarian crises". *Alternatif Politika*. 15(3): 445-470. <https://doi.org/10.53376/ap.2023.17>.
- CNN. (2025). "Israel-Iran conflict". June 21. <https://www.cnn.com/world/live-news/israel-iran-conflict-06-21-25-intl-hnk>.
- Conteh-Morgan E. (2005). "Peacebuilding and Human Security: A Constructivist Perspective". *International Journal of Peace Studies*. 10(1): 69-86. <http://www.jstor.org/stable/41852073>.
- Council on Foreign Relations. (2025). "Iran's conflict with Israel and the United States". July 10. <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/conflict-between-israel-and-iran>.
- Croft S. (2012). "Constructing ontological insecurity: The securitization of Britain's Muslims". *Contemporary Security Policy*. 33(2): 219-235. <https://doi.org/10.1080/13523260.2012.693776>.
- Daftari A. (2025). "Four signs Iran and Israel risk return to war". *Newsweek*. July 10. <https://www.newsweek.com/iran-israel-return-war-united-states-2097273>.
- Dehghani Firoozabadi SJ. (2011). "Ontological security and the foreign policy analysis of the Islamic Republic of Iran". *Biannual of Iranian Review of Foreign Affairs*. 2(6): 34-40. https://irfajournal.csr.ir/article_123390.html.
- Deitelhoff N. (2020). "What's in a name? Contestation and backlash against international norms and institutions". *The British Journal of Politics and International Relations*. 22(4): 715-727. <https://doi.org/10.1177/1369148120945906>.
- Dück E. (2019). "The international model citizen and the Syrian war: Canadian identity from a civilian power perspective". *Canada's Journal of Global Policy Analysis*. 74(3): 387-404. <https://doi.org/10.1177/0020702019875965>.
- Ennouri E, Boussarsar M, Mahfoudh C, Elezzi K, Saad HB. (2025). "Scholarly publications and opinions through 366-day war on Gaza (2023-2024): A scoping review and bibliometric analysis". *International Journal of Health Policy and*

- Management*. 14(1): 1-15. <https://doi.org/10.34172/ijhpm.8809>.
- Eslami M, Kaunert C. (2025). "Forward defence, Hamas-Hezbollah war with Israel and Iran's path to nuclear bombs". *Global Policy*. 16(2): 299-305. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.70011>.
- Falomir-Pichastor JM, Muñoz-Rojas D, Invernizzi F, Mugny G. (2004). "Perceived in-group threat as a factor moderating the influence of in-group norms on discrimination against foreigners". *European Journal of Social Psychology*. 34(2): 135-153. <https://doi.org/10.1002/ejsp.189>.
- Fernandes A. (2025). "The role of international organizations in promoting human rights enforcement and global peace: A study on the Middle East". *International Journal of Education Vocational Social Science*. 4(01): 419-432. <https://doi.org/10.63922/ijevss.v4i01.1646>.
- Fitriyah A, Fadhil A. (2025). "International legal analysis of human rights violations and alleged genocide in Palestine: A normative juridical approach". *Law*. 3(1): 1-16. <https://doi.org/10.61194/law.v3i1.564>.
- Flockhart T. (2016). "The problem of change in constructivist theory: Ontological security seeking and agent motivation". *Review of International Studies*. 42(5): 799-820. <https://doi.org/10.1017/s026021051600019x>.
- Forough M, Dahbi K, Waterman A, Woertz E. (2023). "Narratives of global order and re-ordering from the global south". *Antíteses*. 16(31): 292-325. <https://doi.org/10.5433/1984-3356.2023v16n31p292-325>.
- Friedman Y, Ghorbankarimi M. (2022). "The politics of the political thrillers: de-othering Iran in Tehran (kan, 2021-)". *Transnational Screens*. 13(3): 195-217. <https://doi.org/10.1080/25785273.2022.2107685>.
- Gale AE. (2023). "Narrative warfare: Competitive victimhood in the Israel-Gaza conflict". *Modern Diplomacy*. November 19. https://moderndiplomacy.eu/2023/11/19/narrative-warfare-competitive-victimhood-in-the-israel-gaza-conflict/?utm_source=chatgpt.com.
- Ghofrani T. (2024). "Hollywood, a platform for shaping cultural coherence/divergence: A critical textual analysis of the representation of Iranians in contemporary Hollywood action films". *Global Media and Communication*. 20(3): 357-375. <https://doi.org/10.1177/17427665241290596>.
- Göksel O. (2019). "Defying the system: The origins of anti-westernism in the non-western world and the case of Iran". *Türkisch Journal of Middle Eastern Studies*. 6(2): 13-42. <https://doi.org/10.26513/tocd.581276>.
- Goldberg O. (2025, June 15). "The real reason Israel attacked Iran". *Al Jazeera Media Network*. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/6/15/the-real-reason-israel-attacked-iran>.
- Guzzini S. (2004). "The Cold War is what we make of it': when peace research meets constructivism in International Relations". In *Contemporary Security Analysis and Copenhagen Peace Research* (pp. 56-68). Oxfordshire, England: Routledge.
- Hansen-Magnusson H, Vetterlein A, Wiener A. (2018). "The problem of non-compliance: Knowledge gaps and moments of contestation in global governance". *Journal of International Relations and Development*. 23(3): 636-656. <https://doi.org/10.1057/s41268-018-0157-x>.
- Hassan O. (2020). "Crisis, narratives, and the construction of us-middle east relations: Continuity and change in world history and trump's America first". *Global Affairs*. 6(1): 121-141. <https://doi.org/10.1080/23340460.2020.1745084>.
- Hensengerth O. (2015). "Global norms in domestic politics: Environmental norm contestation in Cambodia's hydropower sector". *The Pacific Review*. 28(4): 505-528. <https://doi.org/10.1080/09512748.2015.1012107>.
- Herman E, Peterson D. (2012). "The Iran 'threat' in a Kafkaesque world". *Journal of Palestine Studies*. 42(1): 24-45. <https://doi.org/10.1525/jps.2012.xlii.1.24>.
- Holzschelter A. (2013). "Between communicative interaction and structures of signification: Discourse theory and analysis in international relations".

- International Studies Perspectives*. 15(2): 142-162. <https://doi.org/10.1111/insp.12005>.
- Iommi L.G. (2019). "Norm internalisation revisited: norm contestation and the life of norms at the extreme of the norm cascade". *Global Constitutionalism*. 9(1): 76-116. <https://doi.org/10.1017/s2045381719000285>.
- Isaacs R. (2017). "The micro-politics of norm contestation between the osce and Kazakhstan: Square pegs in round holes". *Third World Quarterly*. 39(9): 1831-1847. <https://doi.org/10.1080/01436597.2017.1357114>.
- Ivanov SM. (2025). "The Middle East remains in a state of military-political turbulence". *Diplomatic Service*. 1: 7-15. <https://doi.org/10.33920/vne-01-2501-01>. [in Russian]
- Jackson C, Subotić J. (2024). "The ontological security-seeking paradox: Domestic and international effects of public architecture in north Macedonia's 'skopje 2014' project". *Millennium Journal of International Studies*. 53(1): 3-30. <https://doi.org/10.1177/03058298241231742>.
- Jalal S. (2023). "The post-revolutionary Israeli-Iranian rivalry and Iran's nuclear program". *Journal of Regional Studies Review*. 2(1): 1-9. <https://doi.org/10.62843/jrsr/2023.94501>.
- Jaspal R. (2014). "Representing the Arab spring in the Iranian press: Islamic awakening or foreign-sponsored terror?". *Politics Groups and Identities*. 2(3): 422-442. <https://doi.org/10.1080/21565503.2014.925814>.
- Johansson-Nogués E, Vlaskamp M, Barbé E. (2019). "Eu foreign policy and norm contestation in an eroding western and intra-eu liberal order" (pp. 1-15). *European Union Contested*. Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-33238-9_1.
- Kertcher C, Hitman G. (2025). "Middle powers and limited balancing: Syria and the post-october 7 wars". *Middle East Policy*. 32(2): 120-133. <https://doi.org/10.1111/mepo.12805>.
- Keynough B. (2025). "Saudi Arabia and Iran: Spoilers or enablers of conflict?" *Middle East Policy*. 32(1): 38-53. <https://doi.org/10.1111/mepo.12808>.
- Khalid M, Naz U, Begum S. (2020). "'Empowered Iran' in a complex region (Middle East): Tehran's foreign policy challenges and dimensions in the 21st century". *Global Political Review*. V(I): 234-240. [https://doi.org/10.31703/gpr.2020\(v-i\).26](https://doi.org/10.31703/gpr.2020(v-i).26).
- Kholifah A. (2024). "Catcalling as street harassment: A critical discourse analysis". *K@Ta*. 26(00): 7-14. <https://doi.org/10.9744/kata.26.00.7-14>.
- Kinnvall C, Mitzen J. (2016). "An introduction to the special issue: Ontological securities in world politics". *Cooperation and Conflict*. 52(1): 3-11. <https://doi.org/10.1177/0010836716653162>.
- Kowert P, Barkin J. (2024). "Foreign policy analysis and constructivism" (pp. 61-78). *The Oxford Handbook of Foreign Policy Analysis*. Kaarbo J, Thies CG. (eds). <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198843061.013.4>.
- Krause K. (1998). "Critical theory and security studies: The research programme of 'Critical Security Studies'". *Cooperation and Conflict*. 33(3): 298-333. <https://doi.org/10.1177/0010836798033003004>.
- Lam L, Ferreira Santos S, Lukiv J, Williams N. (2025). "Israel-Iran: How did latest conflict start and where could it lead?". *BBC News*. June 19. <https://www.bbc.com/news/articles/cdj9vj8gglg2o>.
- Lantis JS. (2016). "Agentic constructivism and the proliferation security initiative: Modeling norm change". *Cooperation and Conflict*. 51(3): 384-400. <https://doi.org/10.1177/0010836716640831>.
- Lantis JS, Wunderlich C. (2018). "Resiliency dynamics of norm clusters: Norm contestation and international cooperation". *Review of International Studies*. 44(3): 570-593. <https://doi.org/10.1017/S0260210517000626>.
- Le É. (2002). "Human rights discourse and international relations: Le Monde's editorials on Russia". *Discourse & Society*. 13(3): 373-408.

- <https://doi.org/10.1177/0957926502013003055>.
- Magen C. (2014). "Media strategies and manipulations of intelligence services: The case of Israel. *The International Journal of Press/Politics*. 20(2): 247-265. <https://doi.org/10.1177/1940161214556514>.
- Maher N. (2020). "Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East". *Review of Economics and Political Science*. 8(3): 226-245. <https://doi.org/10.1108/rep-06-2019-0085>.
- Massad J. (2025). "The more Israel kills, the more the West portrays it as a victim". *Middle East Eye*. June 14. <https://www.middleeasteye.net/opinion/more-israel-kills-more-west-portrays-it-victim>.
- Maurer H, Wright N. (2021). "How much unity do you need? Systemic contestation in eu foreign and security cooperation". *European Security*. 30(3): 385-401. <https://doi.org/10.1080/09662839.2021.1947800>.
- MEC: Middle East Council on Global Affairs. (2024). "Iran's evolving foreign policy structure: Implications on foreign relations". June 6. <https://mecouncil.org/publication/irans-evolving-foreign-policy-structure-implications-on-foreign-relations>.
- Meng W, Zhang X. (2025). "Application of the theory of 'military campaign success' based on the genetic algorithm of 'the art of war' to the war between Israel and Iran". *SocArXiv*. https://doi.org/10.31235/osf.io/j42ra_v1.
- Michelis I, Makepeace J, Reis C. (2024). "Who is centered in the humanitarian response to gender-based violence? A critical discourse analysis of the survivor-centered approach". *Violence Against Women*. 31(6-7): 1514-1535. <https://doi.org/10.1177/10778012241231783>.
- Miladi N. (2025). "Seeking 'permission to narrate': Debunking the global media reporting of the Israeli war on Gaza and the Palestine exceptionalism". *Journal of Arab & Muslim Media Research*. 18(1): 3-14. https://doi.org/10.1386/jammr_00107_2.
- Miskimmon A, O'Loughlin B, Roselle L. (2024). "Strategic narratives, soft power, and foreign policy" (pp. 445-461). *The Oxford Handbook of Foreign Policy Analysis*. Kaarbo J, Thies CG. (eds). <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198843061.013.25>.
- Mitzen J, Larson K. (2017). "Ontological Security and Foreign Policy". *Oxford Research Encyclopedia of Politics*. <https://oxfordre.com/politics/view/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-458>.
- Moise A, Wang C. (2025). "Appeasement or solidarity? Uncovering the drivers of European public opinion on the eu's foreign policy". *European Union Politics*. 26(2): 418-441. <https://doi.org/10.1177/14651165251320837>.
- Momeni M, Rahimi A. (2017). "Iran-Israel confrontation and its impact on the expansion of Israel and Azerbaijan political-security relations". *Central Eurasia Studies*. 10(2): 415-431. <https://doi.org/10.22059/jcep.2018.210209.449655>. [in Persian]
- Moneycontrol. (2025). "Iranian lawmaker says 'war with Israel has not ended', warns it could 'begin at any time'. July 15. <https://www.moneycontrol.com/world/iranian-lawmaker-says-war-with-iran-has-not-ended-warns-it-could-begin-at-any-time-article-13281957.html>.
- Museyibzada J, Usmonov B. (2024). "Formulating Uzbekistan's evolving strategic narrative (2016–2024)". *The Journal for Interdisciplinary Middle Eastern Studies*. 10(2): 135-168. <https://doi.org/10.26351/jimes/10-2/2>.
- The New York Times. (2025a). "Israel and Iran usher in new era of psychological warfare". July 15. <https://www.nytimes.com/2025/07/15/technology/israel-iran-psychological-warfare.html>.
- The New York Times. (2025b). "After war with Israel and U.S., Iran rests on a knife edge". June 29. <https://www.nytimes.com/2025/06/29/world/middleeast/iran->

- israel-war.html.
- Pinfold R, Jones C, Ehteshami A. (2025). "Collision course: How Iran and Israel brought the Middle East to the brink of war". *Global Policy*. 16(2): 289-298. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.70004>.
- Psaropoulos JT. (2025). "The '12-Day War' ended with an attack on Qatar. Why didn't it escalate?". *Al Jazeera Media Network*. <https://www.aljazeera.com/news/2025/6/25/the-12-day-war-ended-with-an-attack-on-qatar-why-didnt-it-escalate>.
- Quamar M. (2025). "Dateline Mei". *Contemporary Review of the Middle East*. 12(1): 7-9. <https://doi.org/10.1177/23477989241311357>.
- Rajiv S. (2016). "Deep disquiet: Israel and the Iran nuclear deal". *Contemporary Review of the Middle East*. 3(1): 47-62. <https://doi.org/10.1177/2347798916632324>.
- Ram H. (2008). "To banish the *Levantine Dughill* from within: Toward a cultural understanding of Israeli anti-Iran phobias". *International Journal Middle East Studies*. 40(2): 249-268. <https://doi.org/10.1017/s0020743808080537>.
- Ranabhat BK. (2022). "Critical insights: A perspective on discourse analysis". *Journal of Language and Linguistics in Society*. 22: 30-36. <https://doi.org/10.55529/jlls.22.30.36>.
- Reznik A, Pavlenko V, Kurapov A, Zavatska L, Korchakova N, Pavlova I, Romem-Porat S, Israelowitz R. (2025). "War impact on mental health and well-being among Ukrainian and Israeli women: A cross-national comparison". *Cambridge Prisms Global Mental Health*. 12. <https://doi.org/10.1017/gmh.2025.30>.
- RFI. (2025). "Turkey walks a fine line as conflict between Israel and Iran cools". <https://www.rfi.fr/en/podcasts/international-report/20250628-turkey-walks-a-fine-line-as-conflict-between-israel-and-iran-cools>.
- Rivera W. (2022). "The strategic culture of resistance: Iranian strategic influence in its near abroad". *Journal of Advanced Military Studies*. 2022(special), 49-68. <https://doi.org/10.21140/mcu.2022sistratul004>.
- Rostaei M, Karami A, Amini AR. (2025). "The shift in the balance of nuclear deterrence following operation Wa'd Sadiq (1 & 2)". *Iranian Political Research*. 1(12): 35-52. <https://sanad.iau.ir/Journal/se/Article/1198434/FullText>.
- Rumelili B. (2013). "Identity and desecuritisation: The pitfalls of conflating ontological and physical security". *Journal of International Relations and Development*. 18(1): 52-74. <https://doi.org/10.1057/jird.2013.22>.
- Runa S. (2025). "Implementation of human rights and humanitarian law in situations of armed conflict: An analytical approach". *Scholars International Journal of Law Crime and Justice*. 8(3): 68-70. <https://doi.org/10.36348/sijlcj.2025.v08i03.003>.
- Saltnes J, Thiel M. (2021). "The politicization of LGBT human rights norms in the eu-uganda development partnership". *JCMS Journal of Common Market Studies*. 59(1): 108-125. <https://doi.org/10.1111/jcms.13141>.
- Saramifar Y. (2017). "The pain of others: Framing war photography in Iran". *Journal of Anthropology*. 84(3): 480-507. <https://doi.org/10.1080/00141844.2017.1415367>.
- Shahbazi A. (2014). "Iran and the Zionist Regime: From cooperation to conflict". *Kheradnameh*. 4(12): 91-112. <https://ensani.ir/fa/>. [in Persian]
- Shi R. (2023). "A critical discourse analysis of intergroup interpretations and representations of ideologies and national identities in sino-us news reports of russia-ukraine affair". *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*. 4(1): 490-501. <https://doi.org/10.54254/2753-7048/4/2022148>.
- Shori A, Bahrudin U, Basid A. (2025). "Shiite resistance to Israel: A critical discourse analysis of al-jazeera.net news". *Jurnal Bahasa Dan Sastra*. 13(1): 84. <https://doi.org/10.24036/jbs.v13i1.133195>.
- Solhdoost M, Pargoo M. (2022). "Iran's nontraditional security challenges under the Taliban rule". *Global Policy*. 13(1): 146-151. <https://doi.org/10.1111/1758->

- [5899.13038](https://doi.org/10.1111/aspp.12435).
- Soltaninejad M. (2019). "Iran and Saudi Arabia: Emotionally constructed identities and the question of persistent tensions". *Asian Politics & Policy*. 11(1): 104-121. <https://doi.org/10.1111/aspp.12435>.
- Steele B. (2005). "Ontological security and the power of self-identity: British neutrality and the American civil war". *Review of International Studies*. 31(3): 519-540. <https://doi.org/10.1017/s0260210505006613>.
- Steele BJ. (2008). *Ontological Security in International Relations: Self-Identity and the IR State*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203018200>.
- Stein E. (2017). "Ideological codependency and regional order: Iran, Syria, and the axis of refusal". *Political Science & Politics*. 50(3): 676-680. <https://doi.org/10.1017/s1049096517000385>.
- Tarin M, Jansiz A, Simber R. (2023). "The consequence of identity crisis in ontological insecurity and foreign policy strategies of Israel". *Journal of Political and International Research*. 15(55): 15-28. <https://doi.org/10.30495/pir.2023.1993562.3654>. [in Persian]
- Tehran Times. (2025). "Iran-Israel war: A clash of missiles, narratives, and digital battlegrounds". July 15. <https://www.tehrantimes.com/news/515668/Iran-Israel-war-A-clash-of-missiles-narratives-and-digital>.
- The Times of Israel. (2025). "July 14: Report says PM took control of Edelstein's conscription bill, is threatening to fire him". <https://www.timesofisrael.com/liveblog-july-14-2025/>.
- Tsyra I. (2020). "Influence of power narratives on the formation of the US foreign policy identity in the 21st century". *Innovative Solutions in Modern Science*. 7(43): 95. [https://doi.org/10.26886/2414-634x.7\(43\)2020.7](https://doi.org/10.26886/2414-634x.7(43)2020.7).
- Ün MB. (2019). "Contesting global gender equality norms: The case of turkey". *Review of International Studies*. 45(5): 828-847. <https://doi.org/10.1017/s026021051900024x>.
- Upadhyay A, Mehrotra A. (2025). "Assessing the efficacy of the responsibility to protect (R2P) principle amidst the misuse of veto power: A critical analysis". *International Journal of Legal Information*. 53(1): 64-71. <https://doi.org/10.1017/jli.2025.10053>.
- Vaez H, Khodaverdi H, Keshishian Sirki G, Dehshiri M. (2023). "Normalization of Saudi-Israel relations and its impact on the Islamic Republic of Iran's national security: Threats against the axis of resistance". *International Studies Quarterly*. 19(4): 287-314. <https://doi.org/10.22034/isj.2023.347291.1853>. [in Persian]
- Valderama-Wallace CP. (2017). "Critical discourse analysis of social justice in nursing's foundational documents". *Public Health Nursing*. 34(4): 363-369. <https://doi.org/10.1111/phn.12327>.
- Vatanka A, Salem P, Lister C, Gause FG, Katulis B, ... Nassar FN. (2025). "Special briefing: Israel strikes Iran's nuclear program". *Middle East Institute (MEI)*. June 13. <https://www.mei.edu/publications/special-briefing-israel-strikes-irans-nuclear-program>.
- Walling CB. (2013). *All Necessary Measures: The United Nations and Humanitarian Intervention*. Philadelphia, United States: University of Pennsylvania Press.
- The Washington Institute. (2025). "Israel strikes Iran: Initial assessments from Washington Institute experts". June 13. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/israel-strikes-iran-initial-assessments-washington-institute-experts>.